



Investigating relations between Israel and the Republic of Azerbaijan

Morteza Karimi ¹

Mohammad Mojaver Sheikhan ²

Mohammad Javad Aghajari ³

Seyed Mohammad Kamal Ara ⁴

Abstract

The Aras River is considered as one of the border or neighbouring and international rivers; so that the four independent political entities of Iran, Turkey, Azerbaijan and Armenia are looking for their own special, common and overlapping interests due to the multiple functions of the said river and thus the two issues of water and politics, a series of conflicts and controversies (negative hydropolitics). And it has generated relations and cooperation (positive hydropolitics) among the riparian states of the said river. This river is sensitive and important in terms of regional cooperation, because it crosses the borders of countries and forms a long length of border. The fluid nature of water has made it very difficult, complex and multidimensional to resolve the issues surrounding it among political entities, including governments. Based on this, due to the complexity of the hydropolitics of Iran and the neighbouring countries in the Caucasus region (Azerbaijan and Armenia) and the Asian-European country, Turkey has faced a challenge. This paper examines the areas of convergence and divergence influenced by different geopolitical components among the countries of the Aras Basin and presents proposed models. The results show that this river is the bed of special tourist attractions and positive ecosystem effects. Bilateral cooperation in exploiting its potentials in the agricultural and energy sectors is carried out equally between Iran and the

¹ PhD student, Department of Political Geography, Yadgar Imam Khomeini Unit, Shahrari, Islamic Azad University, Tehran, Iran **Mortezakarimi416@gmail.com**

² Ph.D. in Communication Sciences, Islamic Azad University, Science and Research Unit, President of Soroush Comprehensive Applied Science University, Tehran, Iran **sheikhaninfo@gmail.com**

³ Assistant Professor of Khabar Faculty and Banking Higher Education Institute, Tehran, Iran **Aghajari@yahoo.com**

⁴ Master of International Relations Student Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. **Mkamalara@yahoo.com**

Republic of Azerbaijan, and Armenia has joint cooperation with Turkey. However, the water quality of the Aras River has been degraded as a result of actions and exploitation mainly carried out by Armenia and Turkey, and the quantity of water has also been affected by uncoordinated dam construction and indiscriminate use for various purposes. The erosion of the banks, the movement and accumulation of sediments and the occurrence of floods may cause problems, but the non-participation of Armenia and Turkey in the joint exploitation commissions, the pollution of the Aras River, the Karabakh conflict, etc. are among the most important factors of divergence between the countries of the basin. It is the Aras River. Therefore, the joint use and environmental protection of the Aras River and its role in other areas require a review and a convergence approach in all relations, so that the principled exploitation of its resources is carried out under a specific legal framework and conflicts are avoided in the coming years.

Keywords: Aras, Iran, Turkey, Azerbaijan, Armenia



چالش هیدروپلیتیک ایران با ترکیه و کشورهای منطقه قفقاز (آذربایجان و ارمنستان) در ارس: منازعه یا همکاری

مرتضی کریمی^۱ - محمد مجاور شیخان^۲ - محمد جواد آقاچری^۳ - سید محمد کمال آرا^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۱

چکیده

رودخانه ارس جزو رودخانه‌های مرزی یا همجوار و بین‌المللی محسوب می‌شود؛ به طوری که چهار واحد سیاسی مستقل ایران، ترکیه، آذربایجان و ارمنستان با توجه به کارکردهای متعدد رودخانه مزبور، به دنبال منافع خاص، مشترک و متداخل خودشان هستند و از این‌رو دو موضوع آب و سیاست، یکسری منازعات و مناقشات (هیدروپلیتیک منفی) و مناسبات و همکاری‌ها (هیدروپلیتیک مثبت) را در بین دولت‌های ساحلی رودخانه مزبور سبب شده است. این رودخانه از نظر همکاری‌های منطقه‌ای، حساس و مهم می‌باشد؛ زیرا در عبور از مرز کشورها، طول زیادی از مرزها را تشکیل می‌دهد. ماهیت سیال آب، حل مسائل پیرامون آن را در بین واحدهای سیاسی از جمله دولت‌ها را بسیار دشوار، پیچیده و چند بعدی نموده است. بر همین اساس، با توجه به پیچیدگی هیدروپلیتیک ایران و کشورهای همسایه در منطقه قفقاز (آذربایجان و

^۱ دانشجوی دکتری گروه جغرافیای سیاسی، واحد یادگار امام خمینی (ره)، شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
Mortezakarimi416@gmail.com

^۲ دکتری علوم ارتباطات، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، رییس دانشگاه جامع علمی کاربردی
سروش، تهران، ایران

^۳ استادیار دانشکده خبر و موسسه آموزش عالی بانکداری، تهران، ایران

^۴ دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

ارمنستان) و کشور آسیا-اروپایی ترکیه را با چالش مواجه نموده است. این مقاله به بررسی زمینه‌های همگرایی و واگرایی متأثر از مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی مختلف میان کشورهای حوضه ارس و ارایه الگوهای پیشنهادی پرداخته است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که این رودخانه بستر جذابیت‌های ویژه گردشگری و تأثیرات مثبت اکوسیستمی می‌باشد. همکاری‌های دوجانبه در بهره‌برداری از پتانسیل‌های آن در بخش کشاورزی و انرژی بین ایران و جمهوری آذربایجان به‌طور متساوی انجام می‌گیرد و ارمنستان با ترکیه همکاری مشترک دارند. ولی کیفیت آب رودخانه ارس بر اثر اقدامات و بهره‌برداری‌هایی که عمدتاً از سوی ارمنستان و ترکیه صورت می‌گیرد، تنزل یافته و کمیت آب نیز تحت تأثیر سدسازی‌های ناهماهنگ و استفاده بی‌رویه برای مقاصد گوناگون، قرار گرفته است. فرسایش کرانه‌ها، جابجایی و انباشت رسوبات و بروز سیلاب ممکن است مشکلاتی را پدید آورد، ولی عدم شرکت ارمنستان و ترکیه در کمیسیون‌های مشترک بهره‌برداری، آلودگی رود ارس، مناقشه قره‌باغ و ... از مهم‌ترین عوامل واگرایی در میان کشورهای حوضه رود ارس می‌باشد؛ بنابراین استفاده مشترک و حفاظت زیست محیطی از رود ارس و نقش آفرینی آن در سایر حوزه‌ها نیازمند بازنگری و رویکرد همگرایی در روابط همه جانبه است تا بهره‌برداری اصولی از منابع آن تحت یک چارچوب قانونی مشخص انجام گیرد و از وقوع منازعه در سال‌های آتی پیشگیری شود.

واژگان کلیدی: ارس، ایران، ترکیه، آذربایجان، ارمنستان

مقدمه

جغرافیای سیاسی آب یا هیدروپلیتیک به یکی از مهم ترین عوامل موثر در سیاست گذاری خارجی جهان تبدیل شده است. واقعیت غیر قابل چشم پوشی این است که جهان کنونی با توجه به روند فزاینده افزایش جمعیت و فرایند توسعه افسار گسیخته، با بحران های بزرگ منابع طبیعی و محیط زیست روبه روست که مهم ترین منبعی که روابط دولت ها و ملت ها را در سراسر دنیا دچار تنش کرده است، منابع آب است که در این میان، کشور ایران با توجه به موقعیت اقلیمی و جغرافیایی ویژه؛ بسیار تحت تاثیر هیدرو پلیتیک قرار دارد. بر این پایه دولت ها تلاش می کنند با بهره گیری حداکثری از ظرفیت های موجود در راستای بهره مندی حداکثری از منافع ملی خود بهره مند شوند.

بحران آب یکی از جدی ترین مسائل پیش روی بشریت است که نیاز به اقدام فوری و اصولی دارد. در این زمینه، علوم انسانی، هریک از منظری، به این مسئله پرداخته اند. امروزه حاکمیت و مدیریت بر منابع آبی، علی الخصوص منابع آبی مشترک بین کشورها در ارتباط با برنامه های توسعه آنها و یا به کارگیری آن در سایر بخش ها، مورد توجه ژئوپلیتیست ها، سیاست گذاران و بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای قرار دارد.

از دیدگاه جغرافیای سیاسی، اگر چنانچه تمام یا بخشی از قلمرو رودخانه اعم از بستر، سطح و فضای بالای آن تحت نظارت و اعمال حاکمیت قانونی بیش از یک کشور قرار بگیرد، رودخانه ای بین المللی اطلاق می گردد. رودخانه های مرزی و بین المللی، زمینه همکاری یا منازعه میان کشورهای فرادست و فرودست را فراهم می کنند. این نوع رودخانه ها از بک سو با کاهش روزافزون منابع آب های سطحی و نیازهای روزافزون دولت ها به بازدهی اقتصادی آب رودها در بخش های انرژی، کشاورزی و صنعت زمینه شکل گیری هیدروپلیتیک منفی یا همان ژئوپلیتیک آبی را فراهم می کنند و از سوی دیگر در صورت عدم استفاده ای ابراری، بهره برداری عادلانه و حل و فصل موارد اختلافی مربوط به رودها زمینه تعامل و همگرایی میان کشورها و به عبارتی هیدروپلیتیک مثبت و همکاری را باز تولید می کنند. رودخانه ای ارس یکی از منابع آب مشترک ورودی به

ایران است که در بستر زمان، تحولات مختلفی را به لحاظ هیدروپلیتیک پشت سر گذاشته است. از این رو مقاله حاضر در پی بررسی ماهیت تحولات هیدروپلیتیک رودخانه مذکور در طی سالهای گذشته تا به امروز از منظر جغرافیای سیاسی و تاریخی است. برای رسیدن به هدف مذکور، از روش های تحلیل اسنادی، تحلیل محتوا و استفاده از منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است. مطابق یافته‌های پژوهش، حل مسایل مرزی باقیمانده میان ایران و شوروی، بهره‌برداری طرفین از آب رودخانه‌ی ارس، همکاری‌های فنی و اقتصادی بر روی رودخانه، تعیین وضعیت جزایر داخل رودخانه، آخرین همکاری‌های ایران و شوروی بر اساس پروتکل‌های الحاقی سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۷۳ میلادی وجوه مثبت هیدروپلیتیک رودخانه‌ی ارس می‌باشد.

مرزهای قفقاز در اوایل دوره‌ی قاجار شامل مناطق آذربایجان، گرجستان، ارمنستان و نخجوان بود؛ ولی طی دو دوره جنگ‌های معروف ایران و روسیه و طی دو قرارداد گلستان (۱۸۱۳) و ترکمانچای (۱۸۲۸)، سرزمین قفقاز از ایران جدا شد و بر اساس مفاد فصل چهارم معاهده ترکمانچای، خط سرحدی و مرزی ایران از محل کوه آغری در سرحد دولت عثمانی و سرچشمه رود قراسوی سفلی و نقطه التقای آن با ارس تا مصب رودخانه آستارا در ساحل غربی خزر تعیین شد که اکنون به عنوان مرز مشترک و بین‌المللی شناخته می‌شود (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۳۱۱).

موقعیت جغرافیایی ارس و رژیم حقوقی آن

رودخانه مرزی ارس از کوه‌های مین گول داغ (هزار برکه) که ارتفاعی حدود ۳ هزار و ۱۵۲ متر داشته و در جنوب شهر ارض روم ترکیه قرار دارد، سرچشمه می‌گیرد. این رودخانه سپس وارد ارتفاعات جنوب قارص شده و پس از گذشتن از این محل به شمال کوه‌های آارات بزرگ رسیده و از این مسیر وارد جلگه ایروان در جمهوری ارمنستان می‌شود. ارس پس از پیوستن به «آرپاچای در محلی به نام «بهرام تپه»، مرز مشترک ایران با جمهوری ارمنستان و آذربایجان را تشکیل می‌دهد. طول مسیر رودخانه ارس از سرچشمه تا دریای خزر حدود یک هزار و ۷۲ کیلومتر بوده که بیش از نیمی از آن مرزهای مشترک سه کشور ایران، ارمنستان و آذربایجان است. از ابتدا تا انتهای آبریز

رودخانه ارس ۴ کشور بهره‌برداری می‌کنند و حدود ۴۰ درصد از اراضی حوضه ارس متعلق به ایران است. به این ترتیب، ۴ مشخصه اصلی سرزمین‌های مجاور ارس را می‌توان اینگونه برشمرد:

۱. سرچشمه و بالادست رودخانه ارس در خاک ترکیه قرار دارد، این در حالی است که ترکها ثابت کرده اند که از آب در راستای منافع ملی سیاسی و اقتصادی خود بهره‌برداری کرده و آن را ابزاری برای اعمال سیاست‌های خود در منطقه می‌دانند. کاری که در گذشته پیرامون بهره‌برداری از رودخانه دجله و فرات برای فشار به کشورهای سوریه و عراق انجام داده اند .

۲. جمهوری ارمنستان پس از استقلال، براساس عهدنامه‌ها و پروتکل‌های به‌جامانده از شوروی سابق، نسبت به بهره‌برداری از رودخانه ارس اقدام می‌کند. باوجود جمعیت و مساحت کم این کشور، رودخانه مرزی ارس در آبادانی جلگه ایروان که پایتخت این جمهوری در آن قرار دارد، نقش موثری دارد.

۳. جمهوری آذربایجان نیز مثل جمهوری ارمنستان، براساس عهدنامه‌ها و پروتکل‌های دوره پیش از فروپاشی شوروی سابق از رودخانه مرزی ارس و تأسیسات آب‌رسانی مشترک ساخته‌شده در زمان روسها، استفاده می‌کنند، با این توضیح که جمعیت ساکن در کناره های ارس در این جمهوری کم بوده، زیرا سیاست روسها در گذشته، خالی کردن روستاهای اطراف مرز از سکنه بوده است. ضمن آنکه در شهرهای دیوار مرزی جمهوری آذربایجان با ایران، صنایع قابل توجهی که باعث جذب جمعیت شود، وجود نداشته است؛ بنابراین بخش اعظم آب ارس پس از طی مسیر در مرزهای مشترک این کشور با ایران به رودخانه کورا پیوسته و نهایتاً به دریای خزر می‌ریزد.

۴. در حاشیه رودخانه مرزی ارس در خاک ایران و در استان اردبیل، جمعیت فراوان ساکن بوده که سالانه به تعداد آنها افزوده می‌شود. عمده ترین شهرهای این استان در حاشیه ارس قرار دارند. کشاورزی در حاشیه رودخانه

مرزی ارس و بهره‌برداری از آب آن، از محوری ترین فعالیت‌های اقتصادی استان اردبیل است. رود ارس از مهم‌ترین رودهای ایران است که افزون بر جذابیت ویژه گردشگری و تأثیرات مثبت اکوسیستمی، قابلیت مهمی از نظر ماهی‌های قابل صید دارد. استان اردبیل با داشتن دشت‌های بسیار وسیع و حاصلخیز پارس آباد، مغان و اردبیل و تجمع جمعیتی در این مناطق که در حاشیه مرزهای ایران با جمهوری آذربایجان است، در حال حاضر با کمبود منابع آب در امور کشاورزی مواجه است. (پاک نژاد، ۱۳۸۹: ۴۶)

جنگ‌های ایران و روس که در سالهای ۱۸۰۳ تا ۱۸۲۸ میلادی صورت گرفت و در نهایت به شکست ایران ختم شد منجر به قراردادهای ننگین «گلستان» و «ترکمانچای» گردید. ایران در این جنگها، بخش‌های عمده‌ای از خاک خود را در قفقاز جنوبی که شامل آذربایجان، ارمنستان و گرجستان بوده، از دست داد. مفاد اصلی عهدنامه‌ها و پروتکل‌های مرزی مربوط به رودخانه‌های مرزی ارس و اترک که پس از جنگ‌های تزاری روسیه بوده، پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ میلادی هیچ تغییر اساسی نداشته و صرفاً بعضی از توافقی‌های جزئی مرزی در آن گنجانده شده است. ایران با شوروی در شمال کشور مرزهای طولانی داشته است. مرزهای شمالی ایران جمعاً به طول ۲ هزار و ۶۷۰ کیلومتر شامل مرز با قفقاز و مرز با ترکمنستان است.

مهم‌ترین منطقه سرحدی ایران و شوروی مربوط به رودخانه ارس بوده که در حال حاضر، مرزهای مشترک ایران با کشورهای ارمنستان و جمهوری آذربایجان را تشکیل می‌دهد. آخرین موافقت‌نامه (نهمین) در خصوص ارس بین دولت جمهوری اسلامی ایران و اتحاد شوروی در ۶ دسامبر ۱۹۸۸ برابر ۱۵ آذر ۱۳۶۷ در مسکو به امضاء رسید. این موافقت‌نامه شامل یک مقدمه و ۱۱ ماده بوده که در مورد احداث تأسیسات و بهره‌برداری از سد «خدا آفرین» و «قیزقلعه سی» بر روی رودخانه ارس بوده است.

پس از فروپاشی شوروی و تشکیل جمهوری‌های مستقل ارمنستان و آذربایجان، هیچ‌گونه قرارداد جدیدی پیرامون آب‌های ارس و چگونگی بهره‌برداری از آن منعقد نشده است. همانطور که در تمامی قراردادهای ایران و شوروی از جمله قرارداد آخر

اشاره شده، حدود مرزی ایران و شوروی سابق، در رودخانه‌های مرزی خصوصاً ارس، خط منصف بوده و تاکید بر استفاده مساوی از آب رودخانه مرزی به صورت ۵۰ - ۵۰ بوده است؛ اما پس از فروپاشی شوروی، استفاده دو دولت ارمنستان و آذربایجان از رودخانه مرزی ارس و به عنوان دولت‌های مجزا بیشتر از ایران شده است. در حال حاضر آن‌ها دو سهم از آب مرزی ارس برداشت می‌کنند و ایران فقط دارای یک سهم است و عملاً آن‌ها دو سوم آب رودخانه ارس را مورد بهره‌برداری قرار می‌دهند که این مسئله حق ایران را هم از لحاظ بهره‌برداری و هم از لحاظ حقوقی پایمال می‌کند (آزاد بخت، ۱۳۸۷: ۳۴-۳۶)

رودخانه مرزی ارس به عنوان طولانی‌ترین و یکی از پرآب‌ترین رودخانه‌های مرزی ایران نقش بسیار مهمی در توسعه سیاسی - اقتصادی استان اردبیل دارد؛ اما در حال حاضر، دشت‌های استان اردبیل با کمبود آب مواجه بوده و در آینده خطر کم‌آبی آن را تهدید می‌کند. یکی از دلایل این امر روشن نبودن رژیم حقوقی ارس، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و میزان برداشت آب توسط ایران در این منطقه است. رودخانه مرزی بالها رود به طول ۱۱۰ کیلومتر، یک رودخانه سیلابی است و بر اساس پروتکل مصوب سال ۱۳۳۶ به عنوان مرز مشترک ایران و جمهوری آذربایجان تعیین شده است. در رابطه با این رودخانه نیز باید گفت به دلیل عدم لایروبی مناسب و پر شدن قسمت‌های زیادی از مسیر رودخانه توسط گل‌ولای و رسوبات فراوان، میزان بهره‌وری از آب، در منطقه بیله سوار و جعفرآباد به حد بسیار پایینی رسیده و مشکلات این منطقه را دوچندان نموده است. در صورت عدم بهره‌برداری از رودخانه مرزی و سطحی ارس و بالها رود و استفاده بی‌رویه از منابع آب‌های زیرزمینی که پاسخگوی نیاز فعلی و آینده استان نخواهد بود بحران کم‌آبی، وضعیت سیاسی و اقتصادی این استان را دچار تحولات عمیقی خواهد کرد که به یک مشکل ملی تبدیل خواهد شد.

در چند سال اخیر، طغیان رودخانه ارس و بالها رود در فصولی از سال، باعث شده که زمین‌های حاشیه این رودخانه‌ها، تخریب شود، در بعضی از نقاط دیواره‌های رودخانه از بین رفته و زمین‌های اطراف رودخانه در سمت ایران، ملحق به آن شده است. عدم

لایروبی بخش عمده‌ای از رودخانه ارس و عدم لایروبی رودخانه بالهارود، میزان آب دهی و انتقال آب از مسیرهای بالادست به قسمت‌های پایین دست رودخانه را دچار مشکلات اساسی نموده است. در این راستا لازم است لایروبی رودخانه‌های ارس و بالهارود و ترمیم دیواره‌های این دو رودخانه به منظور بهره‌برداری از آب بیشتر و عدم تجاوز رودخانه به حریم مرزی ایران در دستور کار مسئولان ذی‌ربط قرار گیرد. (پاک نژاد، ۱۳۸۹: ۴۹)

مبانی نظری: هیدروپلیتیک زمینه‌ساز همگرایی یا واگرایی

مسئله کمبود آب و کاهش تدریجی آن در اثر افزایش مصرف موجب شده که آب نقش اساسی تری در شکل‌دهی به روابط سیاسی-اجتماعی ملت‌ها و جوامع بشری به‌ویژه در مناطق خشک جهان ایفا کند.

امروزه آب به عنوان یک موضوع ژئوپلیتیکی تجلی پیدا کرده و بر روابط کشورها تأثیر می‌گذارد. این تأثیر هم دارای جنبه‌های مثبت و همکاری بین کشورها نظیر نظام حقوقی رودخانه دانوب و نظام حقوقی دریای سیاه شده و هم دارای جنبه‌های منفی و مناقشه برانگیز مثل منطقه غرب آسیا و شبه‌قاره هند می‌باشد.

هیدروپلیتیک امروز بیشتر در مقیاس منطقه‌ای مورد توجه است و به سیاست‌های کشورها در رابطه با یکدیگر در خصوص توزیع، کنترل و کیفیت منابع آب می‌پردازد. این مسائل هم می‌تواند موجب تنش و هم موجب همگرایی میان کشورها گردد.

برخی رابطه آب و سیاست در سطح منطقه‌ای را بیان تأثیر منابع آب در سیاست خارجی می‌دانند که چگونگی عملکرد سیاست خارجی یک کشور برای تأمین آب را تبیین می‌کند. برای مطالعه رابطه آب و سیاست در سطح منطقه‌ای، منابع آبی در دو سوی مرز مورد بحث قرار می‌گیرد و عمده‌ترین اختلافات ناشی از منابع آبی مرزی درباره بهره‌برداری از منابع آب و مدیریت حوضه رودخانه‌ها پیش می‌آید. عمده‌ترین بحثی که در این سطح مطرح است، این است که آیا کشورها برای تقسیم آب رودخانه‌ها و استفاده از منابع آبی مشترک جهت دستیابی به توسعه با یکدیگر به توافق می‌رسند، یا

توافقی بین آنها حاصل نمی‌گردد و تأکید بر این نکته است که چگونه می‌توان از درگیری اجتناب کرد و در جهت همکاری با یکدیگر به توافق دست یافت.

تغییرات آب‌وهوایی، بهره‌برداری مفرط از منابع آبی، مصرف بیش از حد ناشی از افزایش جمعیت، محور بودن کشاورزی در اقتصاد ملی، به کارگیری شیوه سنتی در آبیاری و هدر رفتن بخش قابل توجهی از منابع نیز از مهم‌ترین عوامل کمبود آب در میان کشورهای حوزه خلیج فارس و بالطبع منطقه غرب آسیا به شمار می‌رود که به دلیل اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی، نیاز به آب به شدت رو به فزونی است. باید افزود که کمبود آب شیرین کن یکی از خاستگاه‌های عمده رویارویی در غرب آسیا و منطقه خلیج فارس در چندین دهه اخیر بوده است.

حل و فصل اختلافات و بحران‌هایی که بر سر آب بین کشورها به وجود می‌آید حداقل از دو جهت دشوار است: اول اینکه در حال حاضر قانون صریح و قاطع بین‌المللی برای حمایت و تقسیم آب بین کشورها و جوامع ذی‌نفع وجود ندارد و یک‌سوم رودخانه‌های جهان همچون دانوب در اروپا تابع قراردادهای خاص محلی و منطقه‌ای هستند و توافق‌نامه هل‌سینکی در سال ۱۹۶۶ میلادی نیز که در مورد استفاده از رودخانه‌های بین‌المللی است، بر این نکته تأکید دارد که هر کشوری در داخل مرزهای خود به طور منصفانه حق استفاده از آب‌های حوضه بین‌المللی را دارد. کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز که در سال ۱۹۹۱ میلادی اولین پیش‌نویس خود را تحت عنوان «قانون استفاده‌های غیر کشتیرانی از رودخانه‌های بین‌المللی ارائه کرد، ۴ اصل: «استفاده معقول و عادلانه از آب‌های مشترک»، «التزام به عدم آسیب‌رسانی محسوس به سایر کشورهای کنار رود»، «التزام عمومی به همکاری» و «تبادل مستمر آمار و اطلاعات را توصیه کرده است.

بنابراین عدم قاطعیت و شفافیت قوانین بین‌المللی مانع از حصول توافق بین کشورها می‌شود. دوم اینکه بحران‌های ناشی از آب جزو بحران‌های ژئوپلیتیکی محسوب می‌شوند که برخلاف بحران‌های سیاسی که در اجلاس‌ها به راحتی حل و فصل می‌شوند، دیرپا بوده و به راحتی حل و فصل نمی‌شوند، چراکه منازعه بر سر یک ارزش جغرافیایی

مثل آب است. ارزش‌های جغرافیایی در یک کشور نیز جزو منافع ملی تلقی می‌شوند و دولت‌ها به آسانی نمی‌توانند بر سر منافع ملی دست به معامله بزنند.

شیوه‌های تعامل بهره‌کشانه انسان از محیط جغرافیایی در کاهش، کمبود، تخریب و آلودگی منابع زیستی به تغییرات محیطی و بحران محیطی انجامیده است. بحران زیست‌محیطی از جمله بحران‌هایی است که در نتیجه بهره‌کشی از طبیعت به وجود می‌آیند و جوامع انسانی و نظام‌های سیاسی را به واکنش وامی‌دارد. همچنین، بحران‌های محیطی از پیامدهای گسترش اقتصاد جهانی مبتنی بر صنعت و فناوری است که صاحبان آن با رفتارهای اکوفاشیستی خود در پیدایش و رشد نابسامانی‌های زیست‌محیطی برای قدرت بیشتر و مدیریت بر جوامع انسانی و استثمار آن‌ها سهمیم بوده‌اند. کمبود آب و تقاضا برای آن به عنوان مسئله‌ای زیست‌محیطی، زمینه بحران‌های اجتماعی است که می‌تواند با پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود، بقا و حیات یک دولت و ساکنان آن را به عنوان یک نظام در داخل و خارج تهدید کند. از این منظر است آب عاملی ژئوپلیتیک به شمار می‌رود و در حیطه مطالعه جغرافیای سیاسی قرار می‌گیرد.

نکته قابل ذکر این است که بحران و مسائل محیطی نسبت به اجتماعات بشری، تعریف و سنجش می‌شوند؛ حال مسئله‌ای مانند کمبود آب چه زمانی به بحران تبدیل می‌شود و اجتماعات بشری را به خطر می‌اندازد؟ برای پی‌بردن به این موضوع به تعریف بحران پرداخته می‌شود. بدین ترتیب، برخی این اصطلاح را همان فشار، اضطراب، فاجعه، بلا یا خشونت احتمالی به کار می‌برند (راینسون، ۱۳۷۸: ۱۱۵)؛ اما به فراخور رشته‌ها تعبیرهای متفاوتی از این واژه در حوزه‌های علمی می‌شود. به هر روی، بحران تهدیدی جدی نسبت به زیرساخت‌های زیربنایی یا ارزش‌ها و هنجارهای اساسی یک سیستم است که مورد ادراک بهره‌مندان از آن قرار می‌گیرد و تحت فشار زمانی و محدودیت گزینه‌ها، در شرایط عدم قطعیت شدید و احساس کاهش کنترل، اتخاذ تصمیمات حیاتی، دقیق و پرهزینه را الزامی می‌کند (حسینی، ۱۳۸۵: ۴۷)؛ بنابراین، کمبود آب زمانی بحران به شمار می‌آید که پیامد اجتماعی داشته باشد و بتواند بر امنیت افراد و جامعه تأثیر بگذارد و به دنبال آن نظام سیاسی را به چالش بکشانند. کمبود آب در وضعیت فعلی مسئله‌ای

است که با کاهش روزافزون در آینده به بحران تبدیل می‌شود و پیامدهای جبران‌ناپذیری به‌جا می‌گذارد. امروزه روند کاهش آب، سیمای ناخوشایندی از آینده را در پی دارد. به‌گونه‌ای که مصرف آب نسبت به اوایل قرن بیستم ۱۷ برابر و نسبت به سه قرن پیش، ۴۵ برابر شده است (مختاری هشی، ۱۳۸۷: ۱۲۱) و تقاضای آب شیرین به‌عنوان منبعی که دچار کمبود فزاینده است، چشم‌انداز بحران‌زایی را برای حیات بشری ترسیم می‌کند.

با ادامه این روند در آینده، برخی بر این باورند که آب به‌عنوان کالایی کمیاب و گران‌بها به‌جای نفت در کانون رویارویی‌ها و آشتی‌ها قرار خواهد گرفت (انگلمن و روی، ۱۳۷۳: ۴۲)، زیرا کمبود رو به تزايد آب و منافع مشترک دولت‌ها بر سر آب‌های بین‌المللی نظیر رودخانه‌ها سبب شده است که آب عاملی تعیین‌کننده در روابط دولت‌ها با یکدیگر باشد و حتی بر روابط واحدهای سیاسی در درون کشورها نیز تأثیر بگذارد. به‌گونه‌ای که امروزه به‌صورت ماده‌ای رقابتی و مطلوب و در عین حال عامل نگران‌کننده حیات و زیست انسان‌ها وارد عرصه مناسبات و مناقشات دولت‌ها شده است. در تأیید این موضوع می‌توان به ۳۰۰ پیمان بین کشورهای گوناگون جهان اشاره کرد که برای حل مسائل موردی درباره منابع آب منعقد شده و در متن‌های حدود ۲۰۰۰ پیمان بین‌المللی بندهایی درباره آب آمده است (حافظ نیا و نیکبخت، ۱۳۸۱: ۴۹؛ اردکانیان، ۱۳۸۴: ۳). از این منظر، تاریخ بشر آکنده از کشمکش بر سر این منابع است، زیرا میزان آب شیرین ثابت و مصرف آن روزافزون است و از آن با عنوان منشاء ستیزش‌های آینده بشر یاد می‌شود (Dolatyar and Gray, 2000, 75). تنش‌های آبی در بیشتر کشورهای خاورمیانه و مناطق خشک جهان دیده می‌شود. تنش‌های آبی در سطح داخلی کشورها نیز بین ساکنان مکان‌های روستایی و شهری نیز به چشم می‌خورد. این تنش‌ها در کشورهایی که سازماندهی سیاسی فضایی آن‌ها بدون در نظر گرفتن عوامل طبیعی و جغرافیایی است، بیشتر نمایان و چشمگیر است.

نکته قابل توجه این است که بحران کمبود آب، افزون بر تهدید امنیت جهان، مفهوم امنیت ملی را نیز دچار تغییر کرده است و بحث‌هایی مانند امنیت زیست‌محیطی در پی

نگرانی‌های ناشی از کمبود منابع کمیاب مطرح می‌شود که علت مناقشه و درگیری بین دولت‌ها شناخته شده است (دالبی، ۱۳۸۳: ۱۱۴). این امر تا آنجاست که تحلیلگران مسائل زیست‌محیطی، سال‌های ۱۹۵۰ تا ۲۰۳۰ میلادی را به دو دوره اقتصادی (۱۹۹۰-۱۹۵۰) و زیست‌محیطی (۲۰۳۰-۱۹۹۰) تقسیم کرده‌اند. نکته حایز اهمیت در این تقسیم‌بندی آن است که در دوره اول، امنیت ملی عمدتاً ماهیت ایدئولوژیکی و نظامی داشت و شاخصه آن جنگ سرد بود، حال آنکه در دوره دوم، امنیت ملی بیشتر از امنیت غذایی و شغلی و مسائل زیست‌محیطی تأثیر خواهد گرفت و مردم گرسنه و بدون شغل اغلب در مرزهای بین‌المللی جابه‌جا خواهند شد (براون و همکاران، ۱۳۷۴: ۱۲۳).

بدین ترتیب در قرن بیست و یکم، مسائل زیست‌محیطی، به‌ویژه تقسیم آب و بحران آب در صدر اولویت سیاست‌های داخلی و خارجی کشورهای درگیر در بحران آب قرار خواهد گرفت. این امر، زمامداران این کشورها را به مدیریت بر منابع آب به‌عنوان ضرورتی انسانی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ملزم می‌کند و آنان را با چالشی مخاطره‌آمیز که گریزی از آن نیست، روبه‌رو می‌سازد (صادقی، ۱۳۸۲: ۲۰۴)؛ بنابراین، دسترسی به منابع آب از اهمیت زیادی برخوردار بوده و آب که یکی از عوامل طبیعی است، جزو عوامل ژئوپلیتیکی به‌شمار می‌رود (نامی و محمدپور، ۱۳۸۹: ۱۳۴). با توجه به اهمیت منابع آب در سرنوشت جوامع بشری است که ژئوپلیتیک آب یا هیدروپلیتیک موضوعیت پیدا کرده است. از این رو، می‌توان گفت که هیدروپلیتیک به مطالعه نقش آب در مناسبات و مناقشات اجتماعات انسانی و ملت‌ها و دولت‌ها می‌پردازد؛ اعم از آنکه در داخل کشورها و یا بین آن‌ها دارای ابعاد فراکشوری، منطقه‌ای و بین‌المللی باشد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۰۲). بر این اساس، هیدروپلیتیک شاخه‌ای از علم جغرافیای سیاسی است که به مطالعه نقش آب در رفتارهای سیاسی و بحران‌های برآمده از آن در مقیاس‌های گوناگون می‌پردازد؛ هیدروپلیتیک ترکیبی از دو واژه آب و سیاست است که تأثیر و نقش‌آفرینی منابع آب بر روابط سیاسی کشورها را بررسی و مطالعه می‌کند (Turton, 2013, 15-16). به دیگر سخن، پاسخ به این پرسش است که چگونه از آب برای اعمال قدرت استفاده کنیم (علیزاده، ۱۳۸۳: ۶۹). هیدروپلیتیک، مطالعه ستیز و

همکاری میان ملت‌ها بر سر تقسیم منابع آب شیرین است (Elhance, 2000, 201-222). از این رو، هیدروپلیتیک دانشی است که با توجه به ثابت بودن میزان آب شیرین و ابعاد فزاینده مصرف آن، به مطالعه برهمکنشی واحدهای سیاسی در سطوح محلی، منطقه‌ای و کروی درباره منابع آب شیرین می‌پردازد (کاوایانی‌راد، ۱۳۸۴: ۳۳۹) و کمبود منابع آب را از عوامل سازنده بحران هیدروپلیتیک می‌داند. در دانش جغرافیای سیاسی، شاید نخستین الگویی که در قالب الگو به تبیین خاستگاه‌های جغرافیایی تنش میان همسایگان پرداخت؛ الگوی های پوتیتکای پتر هاگت بود. او در یک کشور تخیلی، تنش‌های آبی را دو قالب ربودن آب علیای رودها و اختلاف تفسیری درباره خط تقسیم آب بررسی کرده است (هاگت، ۱۳۷۹: ۳۷۲).

در هر کشوری هیدروپلیتیک و سیاست‌های آبی به راهبردها و برنامه‌های مربوط به منابع آب برمی‌گردد که مبتنی بر وضعیت جغرافیایی و جایگاه آن در محیط بین‌الملل است. هر کشور به طور کلی، دارای سیاست‌های آبی در بخش‌های گوناگون آشامیدنی، کشاورزی و صنعتی است و برای ایجاد سازه‌هایی به منظور ذخیره‌سازی، آبرسانی، تصفیه آب و آبخیزداری، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری می‌کند و مؤسساتی برای این مهم ایجاد می‌شوند. از این روست که به مدیریت منابع آب در داخل می‌پردازند تا در سطح خارج از کشور بهتر بتوانند با سیاست‌های آبی در جهت منافع و اهداف ملی گام بردارند.

منابع آب ایران

حجم خروجی از رودخانه‌های مرزی ج.ا.ایران حدود ۱۰ میلیارد مترمکعب و حجم آب‌های رودخانه‌های ورودی به کشور نیز حدود ۵-۹ میلیارد مترمکعب برآورد می‌شود که ۲ میلیارد مکعب آن از مرزهای شرقی و مابقی از مرزهای شمال غربی وارد کشور می‌شوند. در ایران حدود ۵ هزار رودخانه کوچک و بزرگ وجود دارد که برخی از آن‌ها دائمی و برخی فصلی هستند و از این تعداد ۱۷ رودخانه بیش از ۳۰۰ کیلومتر مسافت دارد.

رودخانه‌های مرزی ایران حدود ۸۹ رودخانه است که شامل ۱۷ رودخانه مشترک با کشورهای هم‌جوار، ۴ رودخانه ورودی و ۶۸ رودخانه خروجی می‌باشد. چهار رودخانه ورودی عبارت‌اند از: ارس و اترک در شمال ایران که از ترکیه و ترکمنستان سرچشمه می‌گیرند و دو رودخانه هریرود و هیرمند در شرق کشور که سرچشمه آن‌ها افغانستان است. رودخانه‌های خروجی ایران نیز شامل: ۱۴ رودخانه که آب حدود ۵۰ رودخانه فرعی مستقیماً به دریای خزر می‌ریزند؛ ۶ رودخانه به رود ارس می‌ریزند که از مهم‌ترین آن‌ها رودخانه زنگمار است؛ ۹ رودخانه دیگر در شمال غربی و شمال شرقی کشور به کشورهای آذربایجان، ارمنستان و ترکمنستان می‌ریزند که مهم‌ترین آن‌ها رودخانه اترک با آب‌دهی سالانه ۳۵۰ میلیون متر مکعب است؛ ۳ رودخانه لار، پیران و روتک نیز حدود ۵۰ میلیون متر مکعب آب را از ایران به پاکستان جاری می‌کنند و در نهایت ۱۸ رودخانه از غرب وارد عراق می‌شوند و علاوه بر آن ۱۷ رودخانه مشترک مرزی اعم از فصلی و دائمی نیز حدود ۱۲۲۷ کیلومتر از مرزهای ایران را تشکیل می‌دهند.

بررسی چالش‌های ج.ا.ایران با همسایگان خود در حوضه آبی

الف: چالش‌های بهره‌برداری در شرق و شمال شرق ایران

در شمال شرق ایران، دو کشور افغانستان (در موضع بالادستی) و ترکمنستان (در موضع پایین‌دستی) قرار دارند که به دلیل قرار گرفتن در منطقه خشک و نیمه‌خشک، دچار کم‌آبی و نیازهای مشابهی هستند. در این منطقه رشد جمعیت، توزیع نامتناسب آب، منابع آبی مشترک، سیاست‌های نادرست کشاورزی، فقدان مدیریت صحیح و یکپارچه بر منابع آب و نبود موافقت‌نامه‌های بهره‌برداری مشکل را دوچندان کرده است.

برخلاف پیوندهای تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی این سه کشور، همکاری‌های آن‌ها بر سر موضوع آب محدود بوده است. سد دوستی یکی از جلوه‌های همکاری بین دو کشور در زمینه منابع آبی مشترک است که بین ایران و ترکمنستان صورت پذیرفت. متأسفانه به دلیل عدم همکاری سه جانبه کشورهای ایران، ترکمنستان و افغانستان در زمان ساخت سد، اخیراً کشور افغانستان با توجه به ثبات نسبی و نیاز شدیدش به آب، در حال ساخت دو سد بر روی رودخانه هریرود است که در صورت ساخت آن‌ها به شدت

بر رواناب ورودی به سد دوستی تأثیر می‌گذارد و ذخیره‌سازی، تنظیم آب و تأمین آب کشاورزی دشت سرخس را با مشکل جدی مواجه می‌کند بنابراین استفاده از آب سد دوستی برای تأمین آب شرب مشهد نمی‌تواند یک راهکار برای رفع مشکل کم‌آبی شهر مشهد باشد و باید به آب‌های زیرزمینی مرزی توجه ویژه‌ای داشت.

قراردادهای آبی مابین ایران و افغانستان از حدود ۱۳۰ سال پیش تاکنون معطوف به آب‌های سطحی به‌ویژه استفاده از آب هیرمند بوده است که سهم ایران در هر قرارداد نسبت به قبل کمتر شده است و افغانستان با استفاده از مزیت بالادست بودن، ایران را بعضاً به موضع انفعال کشانده است. لذا با توجه به استقرار حکومت باثبات در افغانستان، این کشور در جهت احیای کشاورزی خود که تنها بخش عمده‌ی اقتصادی آن است به منابع آبی نیاز بیشتری خواهد داشت.

آنچه تاکنون این کشورها در زمینه تأمین آب انجام داده اند بیشتر در چارچوب امنیت و منافع ملی شان و در قالب طرح‌هایی چون ایجاد سدهای مخزنی بوده است (راه حل‌هایی ناپایدار و کوتاه مدت برای حل مشکلاتی دیرپا و ماندگار) و تاکنون موردی از همکاری در زمینه‌ی آب‌های زیرزمینی در این سه کشور مشاهده نشده است؛ بنابراین برای جلوگیری از تشدید بحران کم‌آبی و به خطر افتادن امنیت انسانی، علاوه بر مدیریت جامع منابع آب، باید نگاه جامعی نیز به هیدروپلیتیک آب‌های سطحی و زیرزمینی در این مناطق داشت.

ب: چالش‌های بهره‌برداری در غرب و شمال غرب کشور

در بخش شمال غربی، ایران با سه کشور ارمنستان، آذربایجان و ترکیه و در غرب با کشور عراق دارای مرز مشترک است. در این منطقه پنج آبخوان مرزی وجود دارد که بزرگ‌ترین آن آبخوان تارووس/زاگرس است که بین کشورهای ایران، عراق و ترکیه مشترک است و ایران در این آبخوان در موضع بالادستی مطرح است. کل جمعیت تحت پوشش آبخوان تارووس/زاگرس برابر ۱,۴۴ میلیون نفر است که شامل شهرهای مهمی چون دربندیخان و زاخو در عراق، گیلان غرب، قصرشیرین و سرپل ذهاب در ایران و همچنین شهرهای کوچکی در ترکیه مانند باسکوی و کاپیلی می‌باشد. در بقیه

آبخوان‌های این منطقه، ایران در موضع پایین‌دستی مطرح است؛ بنابراین رویکردهای متفاوتی در زمینه همکاری با دیگر کشورها و مدیریت این آبخوان‌ها مورد نیاز است. با توجه به اهمیت راهبردی کشورهای عراق و ترکیه در منطقه غرب و شمال غرب کشور، در ادامه به وضعیت این دو کشور و چالش‌های بهره‌برداری از آب‌های مرزی سطحی و زیرزمینی در این مناطق پرداخته می‌شود.

ترکیه، به عنوان همسایه شمال غرب ایران و اثرگذار در منطقه غرب کشور، در فضای هیدروپلیتیک دنیا به عنوان یکی از کشورهای تک‌رو مطرح شده و به‌نوعی در خلاف جریان همکاری - محور جهانی برای استفاده عادلانه و منطقی بر مبنای اصل عدم اضطرار به غیر، حرکت می‌نماید؛ بنابراین با توجه به اینکه بیش از ۹۸ درصد آب کشور عراق، وابسته به رودخانه‌های دجله و فرات و به طور کلی خارج از این کشور است، فراوانی طرح‌های توسعه در بالادست این حوضه و کم شدن منابع آب سطحی، وابستگی این کشور به آب‌های زیرزمینی را نیز افزایش می‌دهد.

علاوه بر موارد مذکور، کشور ایران در بیش از ۱۰ درصد کل رودخانه دجله نقش دارد که برخی اقدامات و سیاست‌گذاری‌های صورت گرفته برای مسدود کردن بخشی از آب‌های مرزی به کشور عراق نیز به نوبه خود بر عراق تأثیرگذار بوده است. اتخاذ سیاست‌های این‌چینی در مورد آب‌های زیرزمینی مرزی قطعاً در درازمدت و به طور نامحسوس با توجه به طبیعت آب‌های مرزی، در منطقه چالش‌های جدی ایجاد می‌کند. حاکم بودن رویکرد امنیتی و نگاه‌های بخشی به حوزه آب در ایران (و البته در کشورهای همسایه) منجر به تصویب طرح‌های مهار آب‌های مرزی در مجمع تشخیص مصلحت نظام و سایر نهادهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در مجلس و دولت شده است؛ بنابراین این مسئله می‌تواند با یک نگاه جامع و توجه به رویکرد امنیت انسانی تا حد زیادی مرتفع شود. تلاش‌هایی در این خصوص جریان دارد.

اما نکته مهمی که باید به آن اشاره داشت این است که ترکیه در سال ۱۹۸۰، پروژه آناتولی جنوب شرقی موسوم به گاپ را که بر اساس طرح اولیه‌ای دستور آتاتورک در سال ۱۹۳۶ شکل گرفته بود، آغاز به کار کرد. این در حالی است که کشورهای سوریه و

عراق که در پایین دست این حوضه آبریز قرار دارند، به شدت نگران سیاست‌های ترکیه در کنترل منابع آب و اثرات این پروژه بر آینده سیاسی و اقتصادی - اجتماعی خود هستند.

الگوی رفتاری ترکیه در بهره‌برداری از حوضه آبریز دجله - فرات مبتنی بر نگرش هیدرو همزومنی و سیاست‌های رئالیستی، منجر به تغییر رژیم هیدروپلیتیک این حوضه شده و با پدیدار شدن جریان داعش، کشورهای عراق و سوریه به نوعی به عنوان بازیگران درجه دوم دیپلماسی آب در منطقه مطرح شده‌اند و کردهای عراق و گروه داعش به دلیل شرایط سیاسی و جغرافیایی، ظاهراً به عنوان بازیگران مهم و نوظهور این حوضه آبریز می‌توانند قدرت‌نمایی کرده و نقش نیابتی به نفع ترکیه (در جهت کاهش فشارهای سیاسی - آبی) در مقابل کشورهای پایین دست ایفا نمایند. لذا این نحوه سیاست‌گذاری ترکیه در حوضه آبریز دجله و فرات ساختارهای سیاسی و اجتماعی را که به نوعی با عراق و سوریه و منطقه کردستان عراق و همچنین ایران اشتراک داشته و آمیخته است، به خطر انداخته است.

دولت ترکیه از هیدروپلیتیک هم برای قدرت‌نمایی داخلی و کنترل کردهای مبارز کردستان ترکیه استفاده می‌کند و هم برای اعمال فشار و امتیاز گیری از همسایگان بهره می‌برد که تحلیل گران از آن به عنوان «نو عثمانی گری دولت اردوغان یاد می‌کنند. در این میان ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای و پیشرو تاریخی کشورهای خاورمیانه، باید با بهره‌گیری از واقعیت‌های مخرب توسعه خودخواهانه منابع آب ترکیه و تاثیر گذاری آن بر اکوسیستم منطقه و حیات محیط زیستی، با این نقش ترکیه برخورد فعالانه‌ای و نه منفعلانه‌ای را در پیش گیرد. در این بین انجام مطالعات تخصصی همه جانبه و فرا بخشی در حوزه هیدروپلیتیک و ژئوپلیتیک محیط زیستی کشورهای منطقه و به ویژه ترکیه، راهی است که می‌تواند ما را در دستیابی به یک برنامه راهبردی برای مقابله با معضلات ناشی از توسعه یک‌جانبه نگر این کشور همسایه یاری نماید. در این میان ایران با توجه به این که هم بالقوه و هم بالفعل در گیر هیدروپلیتیک کشورهای همسایه قرار دارد، لازم است که در سطح منطقه‌ای و جهانی با دیپلماسی فعال و بهره‌مندی از حقوق

بین الملل ژئوپلیتیک و محیط زیستی، الگویی پایدار را برای حفاظت از منافع ملی و منابع طبیعی و انسانی منطقه‌ای و بین‌المللی ایران در حوزه هیدروپلیتیک طراحی کند.

ترکیه در مسیر واگرایی با همسایگان

یکی از کشورهای مستعد در برخورداری از منابع آب کشور ترکیه است. بر همین اساس این کشور برنامه‌های متعددی برای ذخیره‌سازی آب‌های سطحی خود آغاز کرده که یکی از این برپروژه‌ها، پروژه گاپ در منطقه جنوب شرق آناتولی است. این پروژه به تنهایی شامل ۲۲ سد است که امکان ذخیره‌سازی آب و تولید برق برای ترک‌ها را فراهم می‌کند.

سد «کاراکورت» یکی از این سدهاست که بعد از سد «آرپاچای» بر روی سرشاخه‌های رود ارس در استان قارص برای تامین آب شرب و کشاورزی ایغدیر و قارص احداث شده است. این سد با بدنه‌ای به طول ۱۴۲ متر و تاجی به بلندی ۴۹۷ متر امکان ذخیره‌سازی یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون مترمکعب آب از سرشاخه‌های رود ارس را دارد.

با آغاز آنگیری این سد بی شک کشورهای همسایه رود ارس از تبعات آن متاثر خواهند شد. با کاهش دبی رودخانه در پایین دست سد میزان تولید برق مشترک بین ایران و جمهوری آذربایجان که به واسطه سدهای ارس و خدا آفرین صورت می‌گیرد با مشکل مواجه می‌شود و اقتصاد کشاورزی کشورهای دو سوی ارس نیز آسیب می‌پذیرد. ساخت این سد در حالی صورت گرفته است که مسئولان ترکیه هیچ توجهی به حقابه کشورهای همسایه رود ارس نکرده و تنها به دلیل قرار داشتن سرچشمه‌های این رود در داخل کشورشان خود را مجاز به هر نوع اقدامی در سرنوشت آب‌های جاری می‌دانند.

اقدامات ترکیه سابقه‌دار بوده و با احداث سدهای ایلیسو و آتاتورک بر روی دجله و فرات ضررهای هنگفتی به عراقی‌ها وارد کرده اند که عینی‌ترین مصداق آن علاوه بر خشک شدن اراضی کشاورزی حاشیه دجله و فرات، افزایش ریزدگردها و آسیب جدی به محیط‌زیست عراق و ایران است. از تبعات رشد ریزگردها در همسایگی ایران افزایش بیماری‌های تنفسی بین مردم عراق و ایران است و سالانه گزارشات مختلفی از مراجعات مردم به مراکز درمانی در این کشورها دریافت می‌شود.

ترکها با اقدامات خود ۳۰۰ برابر ظرفیت رودخانه‌های دجله و فرات سدسازی کرده اند که البته طرف عراقی نیز در این مورد بی‌تقصیر نیست و او نیز اقدام مشابهی انجام داده که این اقدامات ناشی از ترس دولتها در نیاز به ذخیره‌سازی آب‌هاست.

تأثیر این اقدامات نسنجیده و فرصت‌طلبانه اکنون در شمال ارس نیز مشهود است به طوری که ترکیه در یک اقدام عجیب میزان حجم آب رودخانه «کور» را که به سمت آذربایجان جریان پیدا می‌کرد کاهش داد و ویسل اروغلو وزیر جنگلداری و امور آب ترکیه گفت که آب رود کورا برای استفاده آبیاری و تولید برق به رود چروح که به دریای سیاه می‌ریزد، جاری خواهد شد. به علت دست‌کاری‌های ترکیه در رود کورا، جریان آب در این رود به قدری کم شده است که اخیراً مقامات جمهوری آذربایجان هشدار دادند به علت کاهش آب رود کورا، بجای اینکه از این رود آب وارد دریای خزر بشود، به طور برعکس آب شور دریای خزر به بستر رودخانه کورا جاری‌شده و خطر ایجاد شوره‌زارهای مصنوعی در خاک جمهوری آذربایجان را ایجاد کرده است.

برای رفع مشکل کمبود آب اهالی جمهوری آذربایجان آب‌رسانی به مناطق ساعاتلی، صابرآباد و ایمیشلی که توسط ایستگاه‌های پمپاژ آب رود ارس انجام می‌شود، در سالهای موردنظر تسریع شده است تا روستاها و اراضی کشاورزی پایین دست در روزهای کم‌آبی سیراب شوند و علت اصلی این تسریع در آب‌رسانی هم افزایش حق آب جمهوری آذربایجان از ارس می‌باشد که با همکاری و موافقت ایران انجام می‌گیرد.

تورگوت اوزل نخست‌وزیر ترکیه در سال ۱۹۸۰ آغازگر پروژه‌های سدسازی ترکیه بود و در پاسخ به اعتراض عراق و سوریه گفته است که ما به عرب‌ها نمی‌گوییم با نفت خود چهار کنند، آن‌ها هم به ما نگویند که با آب هایمان چکار کنیم. چنین موضعی نه تنها غیرمنطقی است بلکه مسؤولیت بین‌المللی در پی دارد اما نبود قوانین بین‌المللی در این خصوص فعلاً دست دولتها بر اعمال نظرهای یک طرفه در سرنوشت رودخانه‌های مرزی را باز گذاشته است.

محیط‌زیست دو سوی ارس یکی از غنی‌ترین اقلیم‌های گیاهی و حیوانی را دارا است. کاهش دبی ارس باعث می‌شود تا علاوه بر تأثیر در اقتصاد کشاورزی و آبی‌پروری که به

صورت مشترک از سوی ایران و جمهوری آذربایجان پیگیری می‌شود باعث از بین رفتن پوشش گیاهی و شرایط زیست حیوانی آن‌ها شود. علاوه بر این با توجه به خشک بودن غالب اقلیم جمهوری آذربایجان و ایران در شمال و جنوب ارس به خطر افتادن حیات حیات بومیان دور از انتظار نیست. حالا به این موضوع کاهش سطح آب دریای خزر بر اثر کاهش آب‌های ورودی از رودخانه‌ها را نیز اضافه کنید. هر چند کشورهای نظیر ترکیه دم از رعایت حقوق همسایگان خود می‌زنند اما واقعیت امر نبود تضمین برای اجرای این قول و قرارهاست، چون ساختار قانونی مورد تفاهم بین الملل وجود ندارد.

رفتار سه کشور ایران و جمهوری آذربایجان و جمهوری ارمنستان با سکوت یا کم توجهی به رفتار ترک‌ها حاکی از آن است هماهنگی لازم بین کشورهای همسایه ارس به دلیل ملاحظات سیاسی و امنیتی وجود ندارد که این امر باید اصلاح و رویه مشترک و مناسب و تأثیرگذار در قبال رفتارهای سودجویانه ترکیه اخذ شود در غیر این صورت پروژه نفت در برابر آب ممکن است برای ایران و جمهوری آذربایجان به اجرا گذاشته شود.

یک چالش محیط زیستی و کشاورزی دیگر در راه است. ترکیه پس از سدسازی‌های پی‌درپی در سرچشمه‌های دجله و فرات که موجب بحران‌های زیست محیطی در سوریه و عراق و حتی موجب حرکت ریزگردها به سمت ایران شده است، یک سد بزرگ در ناحیه ساری قمیش استان قارص بر روی سرچشمه‌های رودخانه ارس تاسیس خواهد کرد.

این بزرگترین طرح حوزه آبخیزی رود ارس است که در منطقه استان قارص ترکیه است. سد کارا کورت و نیروگاه برق‌آبی این سد با توان ۱۰۰ مگاوات از سال ۲۰۱۷ میلادی در حال احداث است و این سد در سال ۲۰۲۰ میلادی تکمیل و بهره‌برداری شد. بنا به گزارش اداره امور آب ترکیه؛ ارتفاع سد ۱۲۴ متر است. سد کارا کورت، آب شرب، کشت و صنعت و آبیاری دشت ایغدیر و استان قارص ترکیه را تامین خواهد کرد. طول بدنه این سد ۱۴۲ متر و طول تاج سد ۴۹۷ متر و در ساخت این سد عظیم شش میلیون متر مکعب عملیات سنگ‌ریزی و اسفالت انجام شده است. حجم ذخیره آب سد کارا کورت حداقل یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون متر مکعب خواهد بود. بعد از

تکمیل احداث این سد در ماه آوریل و ماه مه هر سال آبرگیری خواهد شد و در ماه‌های دیگر که بارندگی و حجم آب کاهش خواهد یافت، ذخایر آب سد مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت.

سدسازی ترکیه بر روی رودخانه ارس، حجم آب جاری این رود را ۱,۶ میلیارد متر مکعب کاهش می‌دهد و بحران آب را در شمال غرب ایران تشدید می‌کند. بخش‌های وسیعی از کشتزارها و باغات استان‌های آذربایجان و اردبیل ایران و نیز جمهوری باکو وابسته به آب این رودخانه است. پیش‌بینی می‌شود ایران، ارمنستان و رژیم باکو تحت تاثیر این سد، دچار چالش‌های محیط زیستی بشوند. ترکیه از ابزار سدسازی بر بستر رودخانه‌ها به عنوان اهرمی ژئوپلیتیک علیه همسایگان خود استفاده می‌کند. جمله معروف تورگوت اوزال خطاب به کشورهای پایین دست رودخانه‌های دجله و فرات در دهه ۱۹۸۰ وجود دارد که نشان دهنده الگوی اصلی سیاست این کشور در زمینه آب است: «ما به عرب‌ها نمی‌گوییم که با نفت شان چه کار کنند. آن‌ها هم به ما نگویند که با آسمان چه کار کنیم». (بزرگمهری، ۱۳۹۶: ۱۵۰-۱۰۹)

رودخانه ارس یکی از مهم‌ترین رودخانه‌های مشترک میان ترکیه، ایران و جمهوری آذربایجان و ارمنستان می‌باشد. این رودخانه نسبتاً پر آب و خروشان از جهت داشتن چندین جزیره در اطراف خود و راه‌های ارتباطی مناسب بسیار پر اهمیت است. از آنجایی که در دهه‌های اخیر شاهد بحران‌های مختلف آب و خشکسالی در جهان و به خصوص منطقه بوده ایم لذا هر دولت تدابیر خاصی را برای مقابله با این امر در راستای برآوردن منافع ملی خود اتخاذ نموده است. ترکیه که در منطقه نیمه‌خشک قرار دارد نیز سیاست‌های مختلفی را در این زمینه به اجرا درآورده است که از آن تحت عنوان پروژه گاپ یاد می‌شود. قابل ذکر است که این کشور در راستای کسب برخی استانداردهای مختلف برای پیوستن به اتحادیه اروپا از این قبیل سیاست‌ها را از قبل از دولت اردوغان نیز در راستای کار دولت‌های خود قرار داده است. علی‌رغم اینکه ترکیه هدف خود را از پروژه‌های آبی غیر سیاسی می‌خواند، اما همین امر نشان از اهداف سیاسی ترکیه در قسمت‌های مختلف منطقه است. همچنین عده‌ای بر این اعتقاد هستند که ترکیه از این

امر دو هدف عمده سیاسی در منطقه یعنی وابستگی کشورهای همچون عراق برای آب شیرین به ترکیه و سپس کنترل دو رودخانه مهم دجله و فرات را نیز در نظر دارد. همچنین اسرائیل و اردن نیز که در انتهای جغرافیایی ترکیه هستند بیشترین درخواست خود را در جهت دریافت آب از ترکیه دارند برای همین این امر می‌تواند آب را به یک کالای تجاری برای ترکیه در مقابل کشورهای دیگر قرار دهد.

یکی از مهم‌ترین این پروژه و سدسازی‌های مدنظر در خصوص رودخانه ارس و آب‌های مربوط به آن است. دولت ترکیه در رودخانه ارس که شاه‌رگ حیاتی دشت مغان است در پی سدسازی عظیمی با نیت مختلف سیاسی و اقتصادی است. در ابتدا ترکیه صرفاً از طریق سد آرپاچای از آب‌های ارس استفاده می‌کرد. علاوه بر این مردمان این نواحی در ترکیه از دولت درخواست احداث سد را داشتند که اکنون دولت ترکیه در پی ایجاد سدی به نام کاراکورت با ظرفیت بالایی حدود ۵۹۰ میلیون متر مکعب از سال ۲۰۱۴ اقدام نموده است؛ اما ترکیه تنها به همین سد اکتفا نکرده است و در پی ایجاد سدی دیگر تحت عنوان توزلوجاست. مقامات ترکیه ای بر این اعتقاد هستند که سد عظیم در منطقه ساری قامیش ترکیه در سال ۲۰۲۰ به بهره‌برداری خواهد رسید. این سد بانام کاراکورت ظرفیتی حدود ۱۰۰ مگاوات با ارتفاع ۱۲۴ متر است که می‌تواند آب نوشیدنی و کشاورزی و صنعتی این منطقه را فراهم نماید. همچنین حجم ذخیره آب این سد به مقدار یک میلیارد و شش صد میلیون متر مکعب اعلام شده است.

ترکیه هدف خود را از ساخت این سد ذخیره آب و بهبود توسعه انسانی برای کل کشورهای منطقه بیان کرده است و همچنین در ماه‌هایی که بارندگی کم است از آب ذخیره‌شده این سد استفاده نمایند. بی تردید سدسازی ترکیه در رودخانه ارس چندین مزایا را برای این کشور دارد. چراکه این کشور سدهای مختلفی را همچون آتاتورک (بزرگ‌ترین سد جهان) و ایلسو در رودخانه‌هایی مانند دجله و فرات در پیش رو دارد و در حال انجام است. اهمیت سدسازی در ارس از هزاران سال پیش مورد توجه بوده است به این دلیل که کمبود باران برای اهالی این رودخانه منجر به برخی مشکلات آبی

و کشاورزی شده است برای همین ترکیه در این منطقه نیز در پی ایجاد سد بزرگ است.

تمامی این اقدامات نشان از یک سیاست جدی ترکیه در خصوص بحران آب و تلاش برای حل آن و آینده‌نگری می‌باشد و این امر در حالی است که ترکیه در بین چهار کشور ایران، سوریه و عراق و ترکیه بالاترین میزان متر مکعب آب را در منطقه دارد. اگرچه ترکیه در پی توسعه انسانی و کسب استانداردهای بیشتر توسعه است اما اقدامات و پروژه‌های مختلف آن می‌تواند تاثیرات مخربی را برای سایر همسایگان به وجود آورد از جمله ایجاد گرد و غبار، افزایش ریزگردها و بیابان‌زایی است بر همین منوال سدسازی‌های ترکیه خطری جدی را برای استان‌های مرزی و همسایه آن به وجود خواهد آورد. برای مثال این امر منجر به کاهش آب در قسمت شمالی ایران (استان‌های آذربایجان و اردبیل) و برخی مناطق در جمهوری آذربایجان می‌شود. اگرچه برخی‌ها بر این عقیده هستند که سدسازی عامل پایه و اساسی این مشکلات نمی‌باشد اما نمی‌توان منکر دامن زدن به مشکلات نام‌برده توسط سدسازی ترکیه شد. در نگاهی دیگر نمی‌توان از احتمالات مثبت مثلاً برای ذخیره آب‌های شیرین برخی کشورهای کمتر توسعه‌یافته‌ی منطقه مانند عراق چشم‌پوشی کرد اما این امر بیشتر ادعای مقامات ترکی می‌باشد و تا زمان عملی شدن آن نمی‌توان بر آن مهر تایید نهاد. از جمله نتایج مثبت این نوع سدسازی‌ها در خصوص تکمیل و تولید و حتی صادرات برق برای ترکیه می‌باشد. همچنین عامل دیگری که به توسعه و رشد ترکیه کمک می‌کند سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی است که در زمینه توسعه آن شتاب بیشتری را می‌بخشد. در یک جمع‌بندی ترکیه با سدسازی در رودخانه ارس با توجه به موقعیت‌های جغرافیایی ارتباطی و وجود جرایز مختلف و امکانات تجاری از قبیل ماهیگیری، می‌تواند از طریق تولید برق بیشتر و انتقال آب به کشورهای دیگر روند رو به توسعه خود را بیشتر کند و از دغدغه کم‌آبی خود در آینده بکاهد (خالقی نژاد. ۱۳۹۸: ۳۲)

ایران و آذربایجان در مسیر همگرایی در ارس

آب همواره به عنوان یکی از باارزش‌ترین منابع طبیعی و استراتژیک هر کشور بشمار می‌رود. بدیهی است که آب از مؤلفه‌های اساسی و تأثیرگذار در ایجاد تمدن و شکل‌گیری اقتصاد در هر کشور می‌باشد، به همین دلیل استفاده منطقی از این نعمت الهی همواره در دستور کار دولت‌ها بوده است. در دنیای کنونی و با توجه به آمارهای ارائه‌شده از سوی نهادهای بین‌المللی، آب در آینده به یک منبع مهم استراتژیک تبدیل خواهد شد که توسعه اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، زیرا رشد اقتصادی مستلزم افزایش قابل توجه مصرف آب می‌باشد. در این خصوص می‌توان گفت مشکلات آبی طی سال‌های آتی گریبان‌گیر اکثر کشورهای جهان خواهد شد که سیاست خارجی دولت‌ها را درگیر این مسئله خواهد ساخت.

آذربایجان نیز از این قاعده مستثنی نیست، کشوری که ۵۰ درصد منابع کلیدی آبی آن توسط رودهایی همچون کورا (کوروش یا کُر)، آراز (ارس)، سامور و ... تامین می‌گردد که سرچشمه آن‌ها در خارج از قلمرو سرزمینی آن‌ها قرار دارد. همچنین کل رودخانه‌های بزرگ و کوچک این کشور ۸۳۵۹ مورد بیان شده است که از این تعداد ۱۷۱ رودخانه طولشان بیش از ۲۵ کیلومتر، حدود ۳۲۷ رودخانه ۱۰ تا ۲۵ کیلومتر و ۷۸۶۱ رودخانه نیز کمتر از ۱۰ کیلومتر طول دارند و متوسط چگالی شبکه‌های رودخانه‌ای آذربایجان حدود ۰/۳۹ کیلومتر مکعب می‌باشد که بالاترین تراکم حدود ۰/۸۴ کیلومتر مکعب از رودخانه لنکران و پایین‌ترین چگالی حدود ۰/۲۰ کیلومتر مکعب از رودخانه‌های جیران‌چال، آبشرون و قوبوستان است. ضمناً، میزان منابع آبی سطحی فرامرزی این کشور ۱۹ الی ۲۰/۶ کیلومتر مکعب و حدود ۹/۵ الی ۱۰ کیلومتر مکعب نیز آب‌های زیرسطحی می‌باشد. در این کشور حدود ۲۷ کیلومتر مکعب آب جریان دارد که از این میزان حدود ۲۰ الی ۲۱ کیلومتر مکعب ذخیره‌سازی می‌گردد. آذربایجان در همین راستا و به منظور استفاده حداکثری از منابع آبی، طی سال‌های اخیر اقدام به ساخت مخازن و سدهای آبی نموده است که تعداد آن‌ها به ۱۴۰ فقره می‌رسد و

بزرگ‌ترین مخزن آن نیز بر روی رودخانه گُر بانام مینگ‌اچویر با حجم ۱۶ میلیارد مترمکعب ساخته شده است.

آذربایجان در زمینه آب‌های زیرسطحی سالانه ۹ میلیارد متر مکعب ذخیره آبی دارد که ۶۰ درصد آن در مناطق شمال غربی و جنوب غربی واقع شده است. همچنین در این جمهوری ۴۵۰ دریاچه بزرگ و کوچک وجود دارد که از این تعداد ۲۰۰ مورد در ماه‌های گرم سال (از ژوئیه تا اوت) خشک می‌شوند. علاوه بر این تعداد یخچال‌های طبیعی موجود در آذربایجان نیز به لطف وجود کوه‌های مرتفع حجم انبوهی از آب را در خود ذخیره‌سازی کرده‌اند و چشمه‌های متعددی نیز در این مناطق که در حوزه قفقاز جنوبی متمرکز شده، با بهترین کیفیت وجود دارد، ولیکن طی ۷۰ سال اخیر به صورت چشم‌گیری از این ذخایر کاسته شده است.

اما نکته قابل تامل در رابطه با این کشور عدم دسترسی مردم به آب شیرین کافی می‌باشد. هر چند آذربایجان غنی از انرژی است و می‌توان گفت تمام شهروندان آن دسترسی قابل اطمینانی به گاز و برق دارند ولیکن در جبهه دیگر، از نظر تامین آب آشامیدنی با چالشی جدی روبرو می‌باشد، به همین منظور ایجاد زیرساخت‌های تامین آب شرب یکی از اولویت‌های مهم دولت آذربایجان می‌باشد. در این زمینه دولت باکو طی سال‌های اخیر و با پشتیبانی بانک جهانی قسمتی از درآمدهای نفتی جمهوری را به منظور تامین آب شرب ساکنین مناطق مختلف این کشور اختصاص داده‌اند که در این راستا تصفیه‌خانه آب با سیستم پیچیده و مدرن اولترافیلتراسیون در جیران‌باتن مورد بهره‌برداری قرار گرفت که آب شرب شهرهای باکو و آبشرون را تامین می‌کند. لازم به ذکر است این مرکز تصفیه به‌عنوان بزرگ‌ترین تصفیه‌خانه آب در جهان می‌باشد که با فن‌آوری‌های مدرن در جهان بنا شده است. همچنین الهام علی‌اف رئیس‌جمهور آذربایجان بر اجرای پروژه‌های مهم خصوصاً در زمینه تامین آب شرب تاکید دارد و به دستور وی تمام نقاط این کشور می‌بایست از آب سالم برخوردار باشند. در واقع او معتقد است آب آشامیدنی سالم به معنای زندگی سالم است. این موضوع در حالی است

که اکثر خانواده‌های روستایی آذربایجان آب موردنیاز خود را از طریق چاه‌های حفر شده تامین می‌نمایند و تنها کمتر از ۵۰ درصد روستاها لوله‌کشی آب دارند. مشکلات آبی آذربایجان همچنین سیاست خارجی این کشور را نیز تحت تاثیر قرار داده است بطوریکه دستگاه سیاست خارجی باکو همواره با سه چالش همچون مشکل آلودگی رودخانه‌هایی که از خارج وارد این کشور می‌شوند، چالش بر سر توافق نحوه اشتراک و میزان استفاده از آب‌های مرزی و مقابله با تصمیم کشورهای همسایه بر سر ساخت مخازن و سدهای آبی و انتقال آب، روبروست و در پی حل آن‌هاست. در واقع تجربه نشان داده است که منابع طبیعی کمیاب همواره بعنوان موضوعی برای رقابت و به صورت اجتناب‌ناپذیری موجب منازعه میان کشورها شده است. در این خصوص می‌توان اذعان داشت، آذربایجان در حوزه جغرافیایی و آبی به‌عنوان کشور پایین دست آبی در میان همسایگان شناخته شده است و می‌توان گفت به‌نوعی در بن‌بست قرار دارد. همین موضوع سبب شده است اختلافاتی میان این جمهوری با کشورهای بالادستی همچون گرجستان و ارمنستان به وجود آید. پساب‌های صنعتی و کشاورزی ارمنستان و گرجستان از طریق رودهای ارس و گُر وارد آذربایجان می‌شوند که همین مسئله مورد نارضایتی مقامات این کشور شده است. البته نکته قابل تامل در این خصوص آن است که این رودها در انتها به دریای خزر می‌ریزند که بدون تردید محیط‌زیست ایران نیز با چالش روبرو خواهد شد.

از دیگر مشکلات عمده در این کشور فقدان سیستم‌های آبیاری مناسب می‌باشد که تاثیر منفی بر کشاورزی و باغداری گذاشته است. هر چند دسترسی آب برای کشاورزان تا حدودی با ایجاد کانال‌ها و مخازن آبی تسهیل شده است ولیکن نحوه استفاده از آن سبب شده است تا در فصول گرم سال با مشکلات جدی حاصل از کم‌آبی روبرو شوند. اگرچه این کشور با محدودیت آب شیرین در بخش‌های مختلف خصوصاً در مناطق جنوبی روبرو است ولیکن در میان اکثر کشورهای جهان و منطقه وضعیت بهتری دارد. همچنین آذربایجان در میان کشورهای حاشیه دریای خزر تنها منطقه‌ای است که تمام شرایط و مؤلفه‌های اصلی برای استفاده مفید از آب برای مصارف کشاورزی و صنعتی

را داراست که شامل زمین قابل کشت مناسب و هوای مساعد می‌باشد و این در حالی است که چهار کشور دیگر منطقه خزر از چنین مؤلفه‌هایی محروم‌اند. به‌عنوان مثال روسیه منابع آبی فراوان دارد ولیکن زمین مناسب و هوای مساعد جهت کشت ندارد، از سوی دیگر ایران دارای زمین‌های حاصلخیز و آب‌وهوای مساعد می‌باشد اما از نظر منابع آبی با چالش روبرو است. ایران، یک برنامه پنج ساله ای را برای حل مشکل دریاچه ارومیه و اختصاص ۱۳۵۰ میلیارد تومان در نظر داشت که قرار بود صرف انتقال آب رودخانه‌های ارس و کردستان به دریاچه ارومیه شود. انتقال آب رودخانه مرزی ارس به دریاچه ارومیه مخالفت دولت آذربایجان را برانگیخت. این در حالی است که جمهوری آذربایجان با طرح ایران برای انتقال آب رودخانه‌ی ارس مخالفت می‌کند. آذربایجان و ایران توافق کرده بودند که انرژی برقی و منابع آبی رودخانه مرزی ارس بین دو کشور به طور مساوی تقسیم‌شده و از آن استفاده مشترک ببرند. علاوه بر آن هر دو کشور بر سر حجم ذخیره‌سازی آب در سدهای مشترک ارس و موغان و نحوه‌ی بهره‌برداری از آن برای زمین‌های کشاورزی در هنگام بروز خشکسالی موافقت کردند. طبق قراردادی که میان ایران و آذربایجان در رابطه با میزان برداشت آب از رود ارس امضاء شده بود، هر دو کشور متعهد شده‌اند برای استفاده از آب ارس در چارچوب میزانی که در قرارداد مشخص شده است، آب برداشت کنند؛ اما دریاچه ارومیه سالانه حداقل نیاز به ۳ میلیارد مترمکعب آب نیاز داشت که این رقم بسیار بالا بود و جمهوری آذربایجان با آن موافقت نکرد. وزیر محیط‌زیست آذربایجان معتقد بود که برداشت بی‌رویه از آب ارس باعث برهم خوردن تراز اکولوژیک رود ارس خواهد شد و به قول کارشناسان جمهوری آذربایجان کاهش آب رودخانه یا حتی تغییر مسیر آب، بر سیستم اکولوژیک منطقه زیان‌آور خواهد بود.

منطقه آزاد ارس در مرز ایران و جمهوری آذربایجان قرار گرفته است؛ یعنی در بسترهای اقتصادی. این موضوع از چند جهت دارای اهمیت است که می‌تواند موجب همگرایی دو کشور شود. شهر جلفا به عنوان مرکز ناحیه صنعتی-تجاری ارس، در زمینه تجاری و گمرکی دارای پیشینه‌ای صد ساله است. شهر جلفا از زمان‌های قدیم

به خاطر موقعیت جغرافیایی و استراتژی اهمیت خاصی داشته و از لحاظ فرهنگی و مدنی دارای شهرتی بس فراوان بوده است. مرز مشترک ایران و جمهوری نخجوان یا جمهوری آذربایجان در این منطقه، باعث شده این شهر از مهم ترین شهرهای ترانزیتی کشور باشد و طبیعتاً اقتصاد و تجارت امری مهم و دیرین تلقی شود.

موقعیت استراتژیکی منطقه آزاد ارس در شمال غرب کشور با وسعت ۵۱ هزار هکتاری به دلیل هم مرز بودن با سه کشور جمهوری آذربایجان، ارمنستان و جمهوری خودمختار نخجوان همچنین نزدیکی آن به کشورهای ترکیه و عراق و در نهایت هم جوار جغرافیایی با کشورهای CIS در مجموع با هدف گذاری بازار ۶۰۰ میلیون نفری منجر به ایجاد ظرفیت های اقتصادی بسیار مناسب در بین مناطق آزاد کشور شده است. همه این ها به این معناست که بسترهای لازم در جلفا و شهرهای اطراف ارس برای تعامل با همسایه هایی از جمله آذربایجان و ارمنستان از گذشته های دور آماده است.

اما در سال های اخیر استقرار منطقه آزاد ارس، باعث شده کارخانجات و واحدهای تولیدی و بنگاه های تجاری پرشماری این منطقه را برای فعالیت خود انتخاب کنند. چراکه برای سرمایه گذاران در این منطقه، امتیازات ویژه ای در نظر گرفته شده است. معافیت مالیاتی ۲۰ ساله از تاریخ بهره برداری برای انواع فعالیت های اقتصادی، معافیت از عوارض گمرکی و سود بازرگانی برای واردات مواد اولیه و ماشین آلات، صدور کالای تولید شده به خارج از کشور با کمترین تشریفات، ترانزیت و صادرات مجدد کالاهای خارجی با کمترین تشریفات، امکان هر گونه فعالیت اقتصادی برای سرمایه گذاران خارجی و... از جمله مزایایی است که برای سرمایه گذاران در منطقه آزاد ارس در نظر گرفته شده است.

یکی از اهداف ایجاد مناطق آزاد تجاری در کشور فراهم کردن امکان حضور فعال در بازارهای جهانی و منطقه ای، تولید و صادرات کالاهای صنعتی و تبدیلی و ارائه خدمات عمومی به نفع سرزمین اصلی است. بنا بر اعلام منطقه آزاد ارس، هر گونه تولید و صدور کالا از مناطق آزاد در حکم صادرات بوده و رشد این رقم تابعی از درخواست واردات کالا و خدمات از سرزمین اصلی و کشورهای خارجی است. منطقه آزاد تجاری صنعتی

ارس توانسته در سال ۹۷، صادرات ۲۵۱ میلیون دلاری کالا و خدمات را در کارنامه خود به ثبت برساند. این میزان صادرات ماحصل فعالیت ۱۵۲ شرکت تولیدی و صنعتی و ۴۲ واحد کشاورزی دارای پروانه بهره‌برداری مستقر در این منطقه و صدور هزار و ۶۵۰ گواهی تولید است که با سرلوحه قرار دادن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در زمینه‌های معدن، صنعت، عمران، بازرگانی، کشاورزی، انبارداری و واردات خودرو محقق شده است. شرکت‌های منطقه آزاد ارس ۸۶ میلیون دلار صادرات قطعی (خارجی)، ۳۰ میلیون دلار صادرات مجدد، ۱۱۴ میلیون دلار صادرات حاصل از تولید به سرزمین اصلی و ۲۱ میلیون دلار صادرات کالاهای داخلی انجام شد.

عمده بازارهای صادرات خارجی منطقه آزاد ارس کشورهای جمهوری آذربایجان، ترکیه و فدراسیون روسیه هستند که در مجموع ۷۷ درصد سهم صادرات خارجی را به خود اختصاص داده‌اند که بیشترین میزان صادرات منطقه به خارج از کشور را جمهوری آذربایجان دارد. آذربایجان با جذب ۳۲ درصد صادرات واحدهای تولیدی ارس عنوان نخست مشتری منطقه را به خود اختصاص داده است. همچنین این کشور با خرید ۶ میلیون و ۷۶۳ هزار و ۷۸۰ کیلوگرم کالا به ارزش ۲۸ میلیون و ۲۰ هزار و ۲۸۳ دلار در کانون توجه تجار این کشور همسایه قرار دارد. لذا منطقه آزاد ارس، می‌تواند به عنوان پلی اقتصادی، در تعاملات جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان نقش اساسی ایفا کند و در شرایط فعلی اقتصادی، دستاوردهای مهمی برای کشورمان به ارمغان بیاورد (سایت خبری فرینا، ۱۳۹۸/۱۱/۱۸).

چالش آبی ایران و ارمنستان در مورد آلودگی شیمیایی ارس

رودخانه ارس از کوه‌های شرق ترکیه سرچشمه می‌گیرد و بعد از گذشتن از مرز ایران با ارمنستان، نخجوان به خاک آذربایجان وارد شده و به رودخانه «کور» که بزرگ‌تر از رودخانه ارس است می‌پیوندند و در ادامه مسیر به دریای خزر می‌ریزد. رود کور (کورا) نیز از ترکیه و کوه‌های قفقاز سرچشمه می‌گیرد و با گذشتن از اراضی گرجستان وارد جمهوری آذربایجان می‌شود.

در مورد آلودگی رود ارس و کور از چندین سال پیش از طرف کارشناسان محیطزیست و مجامع بین‌المللی هشدار داده می‌شود. بر اساس گزارش خبرگزاری ترند جمهوری آذربایجان با استناد به آمار وزارت محیطزیست این کشور که اکتبر سال ۲۰۰۷ منتشر شد، سالانه ۳۵۰ میلیون متر مکعب آب آلوده از اراضی ارمنستان و ۳۳۰ میلیون متر مکعب از اراضی گرجستان به رود کور و ارس سرازیر می‌شود. یکی از مشکلات عمده آلودگی رودهای ارس و کور کارخانه مس زانجه زور ارمنستان است که هم‌اکنون سالانه حدود ۴۰ هزار تن تولید مس دارد.

وزارت محیطزیست جمهوری آذربایجان در گزارشی که اکتبر ۲۰۰۹ منتشر کرد، می‌گوید که آلودگی مس و فنل (اسید فنیک) رود کور و ارس در بخش‌هایی از منطقه دو تا شش برابر حد هشدار است. گزارشی که «کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای اروپا» دسامبر ۲۰۰۹ در سایت رسمی خود منتشر کرده نیز به موضوع آلاینده‌گی کارخانه مس ارمنستان اشاره داشته و گفته است که این کارخانه کهنه و فرسوده است و باید استانداردهای محیط زیستی برای اجتناب از آلودگی بیشتر ارس توسط آن رعایت شود. با این حال، این گزارش به وابستگی مالی چشمگیر ارمنستان به کارخانه مس نیز اشاره کرده است. خبرگزاری «پان آرمینین» ارمنستان نیز طی گزارشی که اکتبر سال ۲۰۱۳ منتشر کرد، گفته است که این کارخانه با پرداخت بیش از ۲۳ میلیارد درام ارمنستان، بزرگ‌ترین منبع مالیاتی دولت است. مطالعات و نیز گزارش‌های منطقه‌ای حاکی از آن است که ارمنستان، به دلیل نیازهای مالی اش، مانع از فعالیت مجموعه‌ای از کارخانه‌ها و تأسیسات کهنه و قدیمی خود مانند نیروگاه اتمی نیست و از این راه بیشتر سعی در جذب یورو اروپا و یا مشارکت‌های بیشتر کشورهای همسایه در طرح‌های آبی بر روی ارس باهدف کاستن از بار مالی برای خود دارد.

در این زمینه می‌توان به پساب کارخانه‌های مس ارمنستان در ارس اشاره کرد که در این رودخانه تخلیه می‌شوند و یا صنایعی مانند مولیبدن و طلا و دیگر فلزات را مدنظر قرار داد و تخلیه زباله نیروگاه‌های برقی آن کشور در ارس را مطرح کرد که کاملاً شیمیایی و خطرناک ارزیابی شده و حیات وحش و طبیعت ایران را در این منطقه تهدید می‌کند.

ارمنستان برای تخلیه این زباله‌ها، چاه حفر کرده که کاملاً به ضرر ایران بوده و از این طریق سفره‌های زیرزمینی را آلوده و مواد آلوده را وارد آب ارس می‌کند به گونه‌ای که آثار مواد شیمیایی نیروگاه‌های ارمنستان در ارس، مورد تایید کارشناسان قرار گرفته است و در بحث مس نیز، ارمنستان برای صرفه‌جویی در مصارف برق خود، سیستم‌های موردنیاز برای مقابله با آلودگی از طریق اعمال کنترل‌های لازم را قطع می‌کند که نوعاً نشان دهنده بی‌مسئولیتی آن کشور در قبال منافع ملی ایران و اهمیت سلامتی جامعه انسانی و زیست محیطی ایران است.

سابقه ارمنستان در آلوده کردن آب ارس شفاف است و می‌توان به مناقشات ترکیه و آن کشور بر سر فعالیت نیروگاه هسته‌ای ارمنستان استناد کرد که البته موارد و به‌ویژه در بحث آلودگی شیمیایی ارس در منطقه مرزی ایران، مورد تایید و قبول دولت ارمنستان قرار نمی‌گرفته و این دولت دارای مواضع ضدونقیضی در این زمینه است که باید با اعمال سیاست‌های لازم از سوی دولت، رفتار ارمنستان در حوزه آبی ارس، مورد تجدیدنظر قرار گیرد. آب آلوده ارس راهی خزر می‌شود و در همین حال، پروژه‌های در دست اجرا حاکی از تلاش برای انتقال آب ارس به دریاچه ارومیه است که می‌تواند به معنای انتقال آلودگی به دریاچه ارومیه و آلوده سازی مسیر انتقال از مرز تا دریاچه ارومیه در قلب آذربایجان باشد و اگر مسئولان کشور بر اجرای طرح انتقال اصرار دارند، بجاست اول آب ارس را پاک‌سازی کنند و بعد انتقال دهند و اگر بنا بر انتقال آب خزر به دریاچه ارومیه است، باید با همین منطق، در وهله اول، پاک شود. برای سلامتی آب ارس، نیاز به مشارکت جمعی کشورهای حاشیه ارس به‌ویژه آذربایجان و ارمنستان است تا ارس و خزر به هر شکلی آلوده نشود.

همگرایی هیدروپلیتیک در رود ارس

پس از تجزیه اتحاد جماهیر شوروی کارکرد مرزها دچار دگردیسی‌های ساختاری شد و شرایط سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی جدیدی بر منطقه حکم فرما شد. تغییرات مذکور در سایه افزایش تعداد حاکمیت‌ها بر حوضه رود ارس و بازتولید شرایط نوین بر فضای کالبدی منطقه تاثیر گذار بوده است. از جنبه‌های مثبت و نقش‌آفرین می‌توان به

ایجاد بازارچه‌های مرزی، گمرکات جدید، افزایش مبادلات مرزی، رفت و آمد اتباع به کشورهای یکدیگر، ترانزیت کالا و تجارت چمدانی، احداث اماکن خدماتی و تجاری، توسعه زیرساخت‌ها و شبکه‌های ارتباطی و شکل‌گیری منطقه آزاد ارس اشاره کرد. از نظر مسائل فرهنگی و تاریخی، مراودات و پیوندهای قومی، مذهبی، اجتماعی و زبانی ترک‌های آذربایجان با جمهوری آذربایجان و ارمنی‌های ایران با ارمنستان جزو مهم‌ترین نمودهای گسترش روابط ژئوکالچری میان ساکنین دو سوی رودخانه ارس محسوب می‌گردد. کما اینکه در طول دهه‌های متمادی به واسطه قراردادهای اوایل قرن نوزدهم (گلستان و ترکمانچای) و به‌ویژه با تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی شاهد گسست پیوند های فرهنگی و تاریخی در سوی رود ارس بوده ایم.

در مجموع با توجه به مطالب مطرح‌شده از منظر تاریخی، روند هیدروپلیتیک ایران و شوروی به همراه کشور بالادست این حوضه آب یعنی عثمانی و بعدا ترکیه و ادامه این روند بعد از تاسیس جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان، در مجموع مثبت و مبتنی بر همکاری‌های فنی، اقتصادی، کشاورزی، آبیاری و ... بوده و برعکس رودخانه‌های اروند و هیرمند تقریباً مناقشه و منازعه بسیار حادی بر سر مسائل رودخانه مرزی ارس بین طرفین حادث نشده است و چنانچه اختلافاتی بر سر مسائل این رودخانه از زمان بین‌المللی شدن پیش آمده از طریق مذاکره، گسترش مناسبات و انعقاد موافقت‌نامه‌های مختلف در درازای تاریخ تا حدود بسیار زیادی حل و فصل گردیده است؛ بنابراین می‌توان گفت بخش عمده‌ای از مسائل هیدروپلیتیک ایران با کشورهای ساحلی رودخانه ارس بر بنیان همکاری بوده است. با این حال نمی‌توان برخی وجوه بالقوه و بالفعل مناقشه آفرین هیدروپلیتیک ارس اشاره کرد. (ذکی، ۱۳۹۴: ۵۸)

واگرایی هیدروپلیتیک در رود ارس

از زمینه‌های بالقوه بحران‌زایی رودخانه ارس که منجر به هیدروپلیتیک منفی و تنش‌زا می‌گردد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. منابع آب‌های سطحی مشترک خود شامل منابع آب ورودی و خروجی از کشور است. رودخانه ارس یکی از عمده منابع آب مشترک ورودی است. به

دلیل اینکه امکان اندازه‌گیری کاملاً دقیق آورد این رودخانه‌ها در حوضه‌ی بالادست (شرق ترکیه) وجود ندارد، لذا در صورت تغییر شرایط بهره‌برداری، تغییر اقلیم و احداث و بهره‌برداری از سازه‌های آبی جدید در حوضه بالادست رود ارس در ارمنستان و به‌ویژه در ترکیه، منجر به ایجاد نوسان در دبی رودخانه می‌شود. طرح‌های مشترک بهره‌برداری توسط کشورهای بالادست (ترکیه و ارمنستان) مانند طرح ایغدر ترکیه و برداشت آب اضافی ارمنستان از سد سردار آباد از یک سو موجب بروز عدم تعادل در میزان بهره‌برداری کشورهای پایین دست (ایران و آذربایجان) را موجب خواهد شد؛ بنابراین از منابع آب رود ارس، به‌ویژه به دنبال برداشت بیشتر آب برای توسعه طرح‌های اقتصادی توسط کشورهای بالادست (ارمنستان و ترکیه) باعث کاهش آب ورودی به کشورهای پایین دست ایران و آذربایجان خواهد شد.

۲. در برداشت مستقیم از آب ارس، کمیونی که بر اساس پروتکل بین ایران و شوروی تشکیل شد با وقوع جانشینی دو کشور آذربایجان و ارمنستان به‌جای شوروی، وضعیت جمهوری ارمنستان مشخص نیست. در حال ارمنستان در هیچ یک از جلسات کمیسیون مشترک بهره‌برداری حضور نداشته است. در برداشت مستقیم از آب ارس در پروتکل شماره ۲۲ کمیسیون مشترک بهره‌برداری، به میزان و نحوه برداشت ارمنستان اشاره‌ای نشده است و این موضوع زمینه بروز برخی اختلاف نظرها را در برداشت آب فراهم می‌کند.

۳. نبود یک ساختار قانونی ثبت‌شده در مجامع بین‌المللی که شامل کشورهای حوضه آبریز رود ارس باشد و طرح جامع آن را تنظیم و تصویب کند و در اجرا و نظارت کنترل داشته باشد، از دیگر زمینه‌های بالقوه بحران‌زایی در این حوضه مشترک می‌باشد.

۴. عوامل درونی و بیرونی متعددی همچون بحران ژئوپلیتیکی قه‌باغ، خصومت تاریخی ارامنه با ترک‌ها، صف‌بندی‌های ژئوپلیتیکی متضاد در بین کشورهای منطقه، حضور و دخالت کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، انتقال انرژی

حوضه دریای خزر و اختلاف نظرهای شدید ایدئولوژیکی در بین کشورهای این حوضه آبریز، به قدری مسائل سیاسی منطقه را پیچیده کرده است که زمینه شکل‌گیری اجماع کشورهای ساحلی را برای تشکیل یک سازمان آب پایه و شرکت در کمسیون‌های مشترک چهار جانبه به منظور استفاده بهینه و عادلانه از منابع آب رود ارس در سال‌ها و دهه‌های آتی را در هاله‌ای از ابهام فروبرده است.

۵. در بحث مسائل زیست محیطی، کشورهای ارمنستان و ترکیه عمده‌ترین آلوده‌کننده رود ارس شناخته می‌شوند. طبق تحقیقات صورت گرفته، منطقه مغزی ارمنستان به عنوان ناحیه‌ای که رود ارس را از نظر فاضلاب‌های صنعتی، استخراج فلز و ترکیبات پرتوزا آلوده می‌نماید، مطرح است و تاکنون در مقابل درخواست ملاقات ایرانی مبنی بر اقدامات کنترلی، کاهش یا جلوگیری از ورود آلاینده به داخل رود ارس، واکنش مثبتی نشان نداده است. شرایط طبیعی منطقه مغزی و مناقشه ارمنستان با آذربایجان، مویید این است که ارمنستان همچنان به ایجاد آلاینده‌گی ادامه خواهد داد. این مساله از اصلی‌ترین چالش‌های هیدروپلیتیک رود ارس می‌باشد که می‌تواند به واگرایی کشورهای حوضه رود ارس دامن بزند.

۶. در سالهای اخیر، سیر تزایدی مکان‌یابی طرح‌های صنعتی کشورهای همجوار رودخانه ارس از یک سو و افزایش جمعیت در حواشی رودخانه به دلیل پتانسیل‌ها و مقاصد گمرکی، اقتصادی، فنی، ماهیگیری و کشاورزی از سوی دیگر، میزان بهره‌برداری و استفاده از منابع آب رود ارس و شعبات تغذیه‌کننده آن را پیش از پیش افزایش داده است. امری که برداشت افزون‌تر از حبابه در نظر گرفته شده برای هریک از کشورها را تقویت می‌کند و زمینه منازعات میان کشورهای این سیستم رودخانه‌ای را افزایش می‌دهد. (ذکی،

نتیجه گیری

امروزه افزایش تقاضا برای مصرف آب و مدیریت ضعیف منابع آب، پتانسیل ایجاد تنش و یا همکاری و مشارکت بر سر استفاده از منابع آب را چه در درون کشورها و چه در روابط بین کشورها فراهم کرده است و این موضوع در مورد رودخانه‌های بین‌المللی و منابع آب زیرزمینی مشترک در یک منطقه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. عدم وجود ساختارهای مناسب مدیریتی در بهره‌برداری مشترک و حکمرانی آب‌های سطحی و زیرزمینی می‌تواند بهره‌برداری از این منابع را به عاملی برای ایجاد بحران و تنش بین کشورها تبدیل نماید.

کشور ایران با وجود ۱۱ آبخوان مرزی در شمال شرق و شمال غرب خود، بحرانی بودن وضعیت ۷۸ درصد از منابع آب زیرزمینی و تحرکات منطقه‌ای کشورهای همسایه در زمینه برداشت آب‌های زیرزمینی، یکی از مناطق مستعد در این زمینه است. رودخانه ارس نیز بستر جذابیت‌های ویژه گردشگری و تأثیرات مثبت اکوسیستمی می‌باشد. همکاری‌های دوجانبه در بهره‌برداری از پتانسیل‌های آن در بخش کشاورزی و انرژی بین ایران و جمهوری آذربایجان به‌طور متساوی انجام می‌گیرد و ارمنستان با ترکیه همکاری مشترک دارند. ولی کیفیت آب رودخانه ارس بر اثر اقدامات و بهره‌برداری‌هایی که عمدتاً از سوی ارمنستان و ترکیه صورت می‌گیرد، تنزل یافته و کمیت آب نیز تحت تأثیر سدسازی‌های ناهماهنگ و استفاده بی‌رویه برای مقاصد گوناگون، قرار گرفته است. فرسایش کرانه‌ها، جابجایی و انباشت رسوبات و بروز سیلاب ممکن است مشکلاتی را پدید آورد، ولی عدم شرکت ارمنستان و ترکیه در کمیسیون‌های مشترک بهره‌برداری، آلودگی رود ارس، مناقشه قره‌باغ و ... از مهم‌ترین عوامل واگرایی در میان کشورهای حوضه رود ارس می‌باشد؛ بنابراین استفاده مشترک و حفاظت زیست محیطی از رود ارس و نقش‌آفرینی آن در سایر حوزه‌ها نیازمند بازنگری و رویکرد همگرایی در روابط همه‌جانبه است تا بهره‌برداری اصولی از منابع آن تحت یک چارچوب قانونی مشخص انجام گیرد و از وقوع منازعه در سال‌های آتی پیشگیری شود. نبود موافقت‌نامه‌ها و معاهدات بین‌المللی در زمینه آب‌های سطحی و

زیرزمینی مرزی بین ایران و کشورهای همسایه، نشانگر عدم توجه دولت‌های مذکور به این منبع حیاتی و اتخاذ رویکردهایی در جهت امنیت و منافع ملی شان بوده است. علاوه بر این، نبود یک نگاه جامع به اندرکنش‌های آب‌های سطحی و زیرزمینی در این مناطق سبب شده است تا اندک توافقات صورت گرفته حول محور آب‌های سطحی باشد و به آب‌های زیرزمینی اشاره مستقیم نشود. راهبردهای زیر را می‌توان برای حل بحران بهره‌برداری از آبخوان‌های مشترک کشور ایران و همسایگان غربی آن، در نظر گرفت:

۱- بحران حاضر تنها از طریق ایجاد ساختارهای مدیریتی مناسب در بهره‌برداری مشترک و حکمرانی آب‌های سطحی و زیرزمینی و اعمال برنامه‌ریزی‌های کلان و واقع‌بینانه و مبتنی بر تعاملات بین‌المللی و با استفاده از تمامی امکانات و ظرفیت‌ها، تبدیل به فرصت شده و قابل کنترل خواهد بود.

۲- مدیریت آبخوان‌های مرزی نیازمند ایجاد یک پایگاه دانش یکپارچه سازگار به عنوان یک پیش‌نیاز مبتنی بر شناخت دقیق از آبخوان مرزی است.

۳- برای مدیریت بهتر آبخوان‌های بین‌المللی، ایجاد نهادهای مشترک برای همکاری و هماهنگی پیرامون طرح‌های آبی، درگیر کردن بهره‌برداران محلی و نهادهای غیردولتی، در نظر گرفتن طرح‌های متناسب با ظرفیت‌های آبی حوزه و حبابه هریک از کشورها، تعیین ارزش واقعی آب و تلاش برای رفع نیازهای طرفین و همچنین برگزیدن یک رژیم حقوقی بهره‌برداری از آب‌های مشترک که متضمن استفاده عادلانه، معقول و پایدار باشد، ضروری است.

۴- گزینش رویکردهای جامع و پایدار به مقوله امنیت در حوزه مسائل آبی، ضروری است.

۵- با توجه به اهمیت ژئوپلیتیک غرب کشور که به امنیت کلی کشورهای همسایه نیز گره خورده است، مذاکره و همکاری در زمینه آب‌های مرزی باید در دستور کار قرار گیرد.

منابع

- آزاد بخت، بهرام و غلامرضا نوروزی، (۱۳۸۷). جغرافیای آب‌های ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- افشین، یدالله (۱۳۷۳)، رودخانه‌های ایران، تهران: انتشارات وزارت نیرو.
- انصاری، جواد (۱۳۷۳)، ترکیه در جستجوی نقشی تازه در منطقه، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- بای، یار محمد (۱۳۸۴)، هیدروپلیتیک روده‌های مرزی، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی دریاها با تاکید بر آب‌های ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حافظ زاده، محمد (۱۳۷۴)، ارس در گذرگاه تاریخ، تبریز، انتشارات نیا.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی ایران، تهران: انتشارات سمت.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، چاپ دوم، مشهد، انتشارات پژوهشکده امیرکبیر.
- راینسون، جیمز آ (۱۳۷۸). بحران، گزیده مقالات سیاسی - امنیتی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- میرحیدر، دره (۱۳۸۰)، مبانی جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات سمت.
- عباسی کامران، کاظم (۱۳۷۳)، نظام حقوقی حاکم بر رودخانه مرزی ارس، تهران، پایان نامه ارشد رشته حقوق بین‌الملل.
- کریمی، بایرام (۱۳۹۱)، هیدروپلیتیک رود مرزی ارس، مشهد، پایان نامه ارشد دانشگاه فردوسی.
- بیران، صدیقه و هنر بخش، نازلی، (۱۳۸۷). بحران وضعیت آب در جهان و ایران، فصلنامه راهبرد، شماره ۴۸.
- بزرگمهری، مجید و مهدی طباطبایی (۱۳۹۶)، بررسی تطبیقی سیاست خارجی ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی، فصلنامه سیاست خارجی، سال سی و یکم، شماره ۲.

پاک نژاد، متکی و عبدالرضا فرجی راد (زمستان ۱۳۸۹)،
هیدروپلیتیک رودخانه مرزی ارس و تاثیر آن بر امنیت استان اردبیل، فصلنامه
جغرافیایی سرزمین، سال هفتم، شماره ۲۸.
ذکی، یاشار؛ جلیل دلشادزاد و بایرام کریمی (بهار ۱۳۹۴)، بررسی و تحلیل
هیدروپلیتیک رودخانه‌های بین‌المللی با تأکید بر رودخانه مرزی ارس، فصلنامه
جغرافیای نظامی و امنیتی، سال اول، شماره اول.
صادقی، سید شمس‌الدین، (۱۳۸۶). هیدروپلیتیک و بحران آب: چالش‌های آینده در
خاورمیانه و خلیج فارس، فصلنامه سیاسی - اقتصادی اطلاعات، شماره ۱۱۶ - ۱۱۵.
مختاری هشی، حسین، (۱۳۷۸). بررسی وضعیت هیدروپلیتیک ایران، پژوهشنامه حقوق
و علوم سیاسی (دانشگاه مازندران)، شماره دهم، صص ۱۵۹-۱۲۷.
مختاری هشی، حسین، (۱۳۹۲). هیدروپلیتیک ایران؛ جغرافیای بحران آب در افق سال
۱۴۰۴، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، سال نهم، شماره دوم.
خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۹۲/۹/۸). شماره: ۱۳۹۲۰۹۰۸۰۰۵۴۹.
خبرگزاری فارس، (۱۳۹۲/۹/۸). کد خبر: ۸۰۹۲۷۹۳۱ (۳۶۸۱۵۱۲).
سایت خبری تحلیلی الف، (۱۳۹۳/۱/۲۸). پنجشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۹۳، کد مطلب:
۲۲۳۱۱۰.

Dolatyar, Mostafa and Tim Gray (2000), Water Politics in the Middle East: A Context For Conflict or Cooperation, New York, St. Martin s, P 75.

Elhance, Arun (2000), Hydropolitics: Grounds for Dispair, Reasons for Hope, Vol. 5, No. 2, PP. 201-222.